

چهل حدیث خانواد

چهل حدیث در موضوع خانواده:

حدیث ۱.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: « انَّ المرأه عورهٌ فاذا خرجت استرقها الشیطان، و اقرب ما یکون من ربِّها فی مقرِّبِتها؛ زن عورت و ناموس است. هر گاه از خانه خارج شود، شیطان او را در چشم مردان زیبا نشان می دهد. فلذا، بهترین جایگاه زن از نظر توجه خداوند، ماندن در خانه است. (المصنف ابن ابی شیبہ، ج ۳، ص ۴۴۷).

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و فعالیت‌های گوناگون، زن مسلمان، همانند مرد مسلمان حق دارد آنچه که اقتضای زمان است و خلأیی را که احساس وظیفه می کند، آن را انجام دهد؛ چنان که از نظر اسلام، همانند فعالیت‌های علمی، در س خواندن و دیگر فعالیت‌های مربوط به جامعه بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و یک سان هستند. اما در تمام فعالیت‌های اجتماعی برای زن، از نظر اسلام یک شرط بر آن قرار داده شده است که می تواند ضامن حفظ زن و جامعه ازنا هنجارهای اجتماعی باشد. و آن شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط زن و مرد بر اساس بی بند و باری است. فلذا میان زن و مرد مسلمان، عفت و حجاب مرزی است که معین شده است. اسلام حدودی را معین کرده است که روی این، مسأله حساسیت خاصی دارد. بنا براین، اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط اجتماعی رعایت شود، همه فعالیت‌های اجتماعی برای زن هیچ گونه مانعی ندارد.

اما این که در حدیث، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است، هر گاه زن از خانه خارج شده و وارد اجتماع گردد، شیطان او را در نظر مردان آرایش داده و زیبا نشان می دهد از این جهت است که فسادهای اخلاقی در اثر عدم رعایت های اخلاقی و انسانی است که جامعه را به سوی غیر اخلاقی سوق میدهد. هرگاه رعایت شئون اخلاقی و انسانی، یخصوص در جامعه زنها نباشد، بیمار دلان اخلاقی و اجتماعی حریم خانه، خانواده و جامعه را شکسته، جامعه را تبدیل به توده ای حیوانی می کند. وقت که حفظ حریمها رعایت شود، آنگاه نه ورود زن در فعالیت‌های اجتماعی ممنوع است و نه توانایی زنان در بعد فعالیت‌های علمی و اجتماعی از

مردان فروتر می باشد. فلذا، در صورت عدم رعایت ضوابط اخلاقی و انسانی، بهترین راه برای تقرب جامعه زنان به خدا، همان ماندن در خانه است که از هر گونه گزند اخلاقی و اجتماعی مصون می بماند.

حدیث ۲.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): « ایما امرأة وضعت ثيابها فی غیر بیت زوجها، فقد هتک ستر مابینها و بین الله؛ هرزنی لباس خودش را غیر از خانه شوهرش بیرون آورد، او حریم بین خود و خدایش را بهم زده است. (فیض القدير، مناوی، ج ۳، ص ۱۳۶)

حیا یکی از مهمترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه های مختلف زندگی جامعه انسانی دارد. از آموزه های دینی استفاده می شود که این حالت در انسان، از درک حضور در محضر ناظر آگاه و دانا است که این عالم همه محضر آن است. از میان جامعه، زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه نقش بسیار مهمی در ایجاد و گسترش عفت، پاک دامن و اخلاق در جامعه بشری دارند. عفت و حیای زن، یکی از مهمترین عوامل حفظ بقای عفت عمومی است. نه تنها در تمام ادیان و مذاهب الهی مورد تأکید قرار گرفته؛ بلکه عقول و افکار بشری نیز آن را موردی تأیید قرار داده اند. اما از نظر اسلام، اهمیت این موضوع به حدی است که برخی روایات آن را « تمام دین » می داند. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: « الحیاء هوالدین کله »؛ حیا تمام دین است. (کنز العمال، ج ۳، ص ۱۲۱). در روایتی دیگری به این مضمون آمده است، فرموده: کسی که حیا ندارد، دین ندارد.

بنا بر این، حیا، عفت و پاک دامن نیرویی است که انسان را قادر می سازد تا در برابر گناهان و خطاها، خوشتندار باشند با اراده ای قوی و راسخ به سوی رشد و تعالی و پاکی روح و روان و در نهایت، رضایت حق تعالی گام بر دارند.

روی این اساس، یکی از موثرترین عوامل امنیت روانی جامعه و بخصوص خانواده و مرد خانواده، پاکدامنی زن و همسر است. آثار و پیامدهای ارتباط نا مشروع زن و مرد نا محرم، هم امنیت خانواده را بخطر می اندازد و هم امنیت اخلاقی جامعه را. فلذاست که آن حضرت فرموده است که هر زنی که لباسش را در غیر خانه شوهرش بیرون بیاورد، حرمت او بین خدایش شکسته شده است. این بدان معناست که زن رابطه نا مشروع با غیر شوهرش و آدمهای بیگانه دارد. روابط این چنینی، پیامدهاس بسیار خطرناکی به همراه دارد که از جمله، سست شدن بنیان های خانواده یکی از اولین اتفاق ناگوار آن است که با این عمل رُخ می دهد.

حدیث ۳.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله): « ایما امرأة سألت زوجها الطلاق فی غیر ما بأس، فحرم علیها رائحه الجنه؛ هر زنی که بدون هیچ سببی از شوهرش طلاق بخواهد، بوی بهشت بر او حرام است » (صحیح ابن ماجه، ح ۶۶۸۱).
کارشناسان اجتماعی برآن است که رفتار نا هنجاری اجتماعی، آسیها و پیامدهای زیادی را به دنبال دارد. در نهاد اجتماعی، ازدواج و حفظ بنیان آن در جامعه اهمیت خاصی داشته و نقص این پیمان و بنیان مساوی با طرد و انزوای اجتماعی افراد جدا شده و خانواده های آنان می باشد.

بنا براین، طلاق و جدایی، به هر دلیلی پیامد های برای افراد اجتماع، افراد مطلقه و فرزندان طلاق دارد. از جمله، پیامد های برای زنان مطلقه بیشتر است. بر اساس تحقیقات اجتماعی، زنان پس از طلاق در معرض فشار های روحی و روانی قرار می گیرند. زنی که با هزار امید و آرزو پا در خانه مردی می گذارد که هیچگاه تصور پاشیده شدن کانون زندگیش ندارد؛ اما وقت که با این مسأله مواجه می شود، یأس و ناامیدی از آینده زندگی او را فرا می گیرد. افسردگی، روی آوردن به نا هنجار های اجتماعی و ... از پیامدهای آن است. حتی، در بعضی

موارد، عذاب وجدان در اثر دوری از فرزندان و یا تنها گذاشتن آن بدست نا مادری، و همچنین پشیمانی از دیگر مشکلات روحی زنان جدا شده است.

بنا براین، گذشته از آسیبها و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن، بی توجهی خداوند از آنان و مورد قهر خدا قرار گرفتن از پیامدهای اخروی آن است که سخت تر از پیامدهای اجتماعی آن می باشد. کانون خانواده از شریف ترین بنیان و کانون اجتماعی و جامعه است که عده ای با اوهام و خیالات باطله و یا فریبهای شیطنتهای بیمار دلان جامعه، کانون گرم یک خانواده را به هم می زنند. فلذا، بسیار از زنها بدون دلیل قانع کننده و موجه، دست به طلاق زده و نهاد خانواده را از هم می پاشاند و بازی نا خواسته، با آینده خود و فرزندان شان را رقم می زنند. از این جهت است که مورد توبیخ و سرزنش پیامبر اسلام نسبت به آینده معنوی قرار گیرد. چنان که آن حضرت فرموده است: هرزنی که بدون هیچ سبب از شوهرش در خواست طلاق کرده و جدا می شود، بوی بهشت بر او حرام است. از این جهت است که آسیبهای معنوی نیز از پیامدهای آن است.

حدیث ۴.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) : « وَالَّذِي نَفْسِي مُحَمَّدٌ بِيَدِهِ لَا تُؤَادِي الْمَرْأَةُ حَقَّ رَبِّهَا ، حَتَّى تُؤَادِيَ حَقَّ زَوْجِهَا...؛ سوگند به کسی که جان محمد (ص) در دست اوست، خداوند از زنی راضی نمی شود، مگر این که حق شوهرش را ادا نماید.

براساس زندگی اجتماعی، زندگی صحیح آن بر اساس یک سری ضوابط و قانونی است که با رعایت کردن آن، نظام جامعه و اجتماع، امنیت، آسایش و آرامش را به دنبال دارد. در این میان، نظام و کانون خانواده نیز از این قانون و ضوابط استثنا نمی باشد. همان گونه که بی نظمی و عدم رعایت قانون اجتماعی، نظم و نظام را بهم زده و منجر به هرج و مرج و بحران می گردد، عدم رعایت قانون خانواده گی نیز این کانون را بهم می زند.

یکی از ظوابط وقانون در حفظ کانون خانوادگی و زن و شوهر، مسأله تمکین زن در برابر شوهر و ادای حق آن است. تمکین و ادای حق و همسر داری دو معنای عام و خاص دارد. تمکین عام به معنای پذیرش شوهر در امور کلی زندگی خانوادگی می باشد. اما تمکین خاص را بیشتر در مورد ارتباط با زنا شویی میان زوجین به کار می برند.

بهر حال تمکین عام و خاص از شوهر به عنوان تکلیفی برای زن شناخته شده است. بنابراین، هنگامی که زن و مرد باهم از دواج می کند، بر اساس شرع و قانون بایستی تکالیفی را در برابر یکدیگر انجام دهند به عنوان مثال، زن از حق نفقه بر خور دار است و در عین حال باید برای تمکین عام و خاص، از شوهر تمکین نماید که عبارت از انجام وظایف زن در امر کلی زندگی خانوادگی و زنا شویی است.

فلذا، در صورتی که زن در امور کلی زندگی مشترک و یا روابط زنا شویی از همسر خود تمکین نکند، در اصطلاح فقهی و آموزه های دینی و حقوقی، زن نا شیزه گفته می شود. بنابراین، مصادیق عدم تمکین از نظر شرع و قانون در برابر شوهر، عبارت است از عدم سکونت در محلی شوهر، انتخاب شغل مغایر با شئون خانوادگی، خارج شدن از منزل بدون اجازه شوهر که منافای با حقوق شوهر و امور اخلاقی باشد. وهم چنین، عدم رعایت اصول اخلاقی و انسانی در زندگی روز مره زندگی فردی و امور منزل، پیامدهای حقوقی و معنوی را در پی دارد. در مورد پیامدهای حقوقی آن است که به قانون سپرده شده و مجازات لازم انجام می گیرد. اما در مورد پیامدهای معنوی، چنان است که پیامبر (ص) فرموده است که ادای حق شوهر، مساوی است با ادای حق خداوند. یعنی هر گاه حق شوهر بر اساس حکم شرعی و قانونی انجام نگیرد، امورات شرعی زن نزد خداوند نیز مقبولیت ندارد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): « صنفان من اهل النار، لم أرَ هما: قومٌ سیاطٌ کاذبان البقر یضربون بها الدّاس. نساءٌ کاسیاتٌ عاریاتٌ میملاتٌ، مائلاتٌ رؤو سُهْمَنٌ کَأَسِیمَةٍ البُخْتِ المائله، ولا یدخلن الجنّة ولا یجدو ریحها؛ دو طایفه در آتشند که من ندیده ام، این دو طایفه بوی بهشت را استشمام نمی کنند: یک، مردمی هستند که تازیانه به دست گرفته موجب آزار و ازدیت مردم می گردد. دوم، زنان برهنه و عریان و یا آنهای که لباس های تنگ و بدن نما بر تن می کنند و از طاعت و فرمان خدا بدورند و زنان دیگر را به فساد دعوت می کنند، این طایفه، موی سرش را همانند کوهان شتر به نمایش می گذارد.». (صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۰، ح ۲۱۲۸).

چنان که شاهد بسیار از نا هنجارهای اجتماعی هستیم که در اثر موج اسلام ستیزی و تهاجم فرهنگی و رواج فرهنگ برهنه و برهنگی، زنهای مسلمانان و جوانهای اسلام و مسلمین را شکار کرده و هدف اندیشه های پلید خود قرار می دهند. در این روزها که موج مبارزه با اسلام سرا سر جهان را فرا گرفته است، محیط و کشور مسلمان ما نیز از این تهاجم در امان نمانده است؛ و بشکلهای مختلف، رنگ و بوی تبلیغات ضد اسلامی و انسانی نمایش داده می شود. از آن میان زنهای مسلمانان و جوانهای این مرز و بوم را اسیر خود و در دام شیطانی شان گرفتار کرده اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از عواقب خطر ناکی که دامن جامعه آیندگان را فرا می گیرد، خبر داده است. و به تعبیراتی اشاره دارد:

۱. «کاسیاتٌ عاریاتٌ» کاسیات و عاریات به زنان گفته می شود که برای اظهار زیبایی خویش، بخش از بدن خود را ظاهر می کند و با لباسهای نازک که می پوشند، بدن شان را برای مردان بیمار دل و نا محرم به نمایش می گذاشته، تا جلب توجه آنان نمایند.

۲. « میملاتٌ مائلاتٌ»، اینها زنهای هستند که از اطاعت و فرمان خداون در مورد حفظ عفت و مسایل دیگر خویش رو می گردانند و کارهای حرام خود را به دیگران آموزش می دهند؛ و در اثر حرکتهای ناز گونه و شیوه رفتاری خود، علاقمندی خود را به مردان نا محرم نشان داده و اظهار علاقه به آنان می کنند و زینتهای و آرایش خود را نمایان می نمایند.

۳. رؤوْسُهْنٌ کَأَسِیمَةٍ البُخْتِ المائله. یعنی این زنان سرهای شان را با دستمال و شالها و یا موهای جمع آوری کرده، یزرگ نموده و هم چون گوهان شتر به نمایش می گذارد. و یا به تعبیر دیگر، سرهای خودش را بالا گرفته

و به گونه ای که چشم از هیچ نا محرمی پایین نمی اندازند و خیره خیره به آنها نگاه می کنند تا جلب توجه آنها را به خود جلب نماید.

بنا براین، آن چه را که پیامبر اکرم از آن خبر داده است، امروزی شاهد زنده آن در جامعه مشاهده می شود و هر روزی که می گذرد، وضع اخلاقی و انسانی روبه افول و نابودی اخلاقی می رود. فلذا ست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، گذشته از پیامدهای دنیایی و اجتماعی آن ها، از پیامدهای اخروی آنها اینگونه فرموده است که این گونه زنها داخل بهشت نشده و بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

حدیث ۶.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «وَيْلٌ لِّلنِّسَاءِ مِنَ الْاَحْمَرَيْنِ الذَّهَبِ وَالْمُعَصِفَرِ؛ وای بر زنان که لباسهای زنگی و زیور آلاتش را در دید نا محرم قرار می دهند» (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۹، ح ۴۵۰۴۶).

کلمه «زینت» در عربی همان زیور در فارسی است؛ مانند طلاجات و جواهرات که در قرآن کریم فرموده است: «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر» (نور، ۳۱). زنها، غیر از لباسهای که در ظاهر معلوم است، نباید دیگر زمینه های آرایشی و زیور آلات شان را آشکار کند.

آسیبهای که گاهی غیر قابل جبران به واسطه ظهور موارد تحریک آمیز زنان در بین نا محرمان دامن گیر فرد و جامعه و خانواده ها می گردد. مثلاً در اولین آسیب و پیامدهای که دامن کسی را بگیرد، خود زن است. به طور طبیعی، بد حجابی و نمایش آرایشها و وسایل آرایشی و زینت در زنها، نگاه نا محرمان را به خود جلب می کند. بدیهی است که اینکار زمینه برخی از تحرکات را برای طمع ورزی ایجاد می نماید و زمینه تنزل شخصیت زن را تا حد یک عروسک و یا کالای بی ارزش به سقوط می کشاند؛ و ارزش های والای انسانی او را بکلی به دست فراموشی سپرده می شود. و تنها به عنوان وسیله ای برای کام جویی و کامیابیهای جسمی بیمار دلان،

مورد توجه قرار می گیرد. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۹۲). چنانکه شرکتهای کاریابی و در آمد ساز، عروسکهای به رنگها و شکلهای مختلف جهت سر گرمی کودکان می سازد، تا کودکان را به خود جلب کرده و مشغول بازی و سر گرمی گردد. زنهای که به دنبال نمایش آرایشها و زینتهای خود هستند، او را در حد یک عروسک پایین آورده تا باعث سر گرمی انسانهای شیطان صفت گردد.

با این وصف، گذشته از آسیب شخصی، بی تردید، اگر زنان بدحجاب به صورت تحریک آمیز در اجتماع ظاهر گردد، التهاب و هیجان روحی بینندگان، بخصوص قشر جوان شده و هر لحظه با دیدن صحنه های تحریک آمیز زمینه فساد و بی بند و باری در جامعه رونق پیدا می کند.

همچنین، بنیاد و نهاد خانواده، که مقدس ترین پیوند اجتماعی است، برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب مهم ترین عامل به شمار می آید. اگر زنی با آرایشها و زینتهای و زیور آلات های خود، خود نمایی نمایند و به آن شکل ظاهر شده و جلب توجه نمایند، طبیعی است که آرامش روحی و روانی جامعه بهم خواهد خورد.

بنابراین، بی حجابی و بد حجابی و نمایشگری زینتهای پوشیده و پنهان، یکی از عوامل مهمی است که نقش عمده ای در تضعیف ایمان و پای مال کردن فضایل اخلاقی، همچون حیا، عفت و غیرت دارد. در جامعه، بی حجابی، هوسرانی، هرزه گری، گناه، ارتباط نا مشروع و اختلاط های غیر شرعی جای معنویت، صفا، عشق و محبت واقعی را می گیرد. در این جامعه بذر شهوت به سرعت در دل و جان مردم، بخصوص جوانها نفوذ کرده و آنان را از امور اصلی و اساسی باز می دارد.

با این وصف، در اثر پیامدهای تلخ و ناگوار بد حجابی و نمایشگری های زینت ها تحریک آمیز است که پیامبر اکرم (ص) از آن اینگونه یاد کرده و فرموده است: وای بر زنهای که که لباسهای رنگی و زیور آلات خود را در دید نا محرم قرار دهند.

حدیث ۷.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) « لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء والمشبهات من النساء بالرجال؛ مردان که خود را به صورت زن و یا زنهای که خود را به شکل مرد درست می کنند، خداوند آنها را لعنت کرده اند» (المحاسن برقی، ج ۱، ص ۱۱۳)

تشبه به جنس مخالف، از جمله مسایلی است که در جوامع امروزی با ظهور فرهنگهای نو پیدا، رونق بیشتری پیدا کرده است. از نظر آموزه های دینی، تشبه به جنس مخالف را مورد لعن قرار داده است. یکی از دلایل و جوه که بر حرمت تشبه به جنس مخالف دلالت می کند، روایاتی است که می گوید مؤمن حق ندارد فعل و یا هر نوع عمل که موجب اذلال، انحطاط و کوچک شدن شخصیت و تحقیر و اهانت وی می شود، انجام بدهد؛ چون تشبه به جنس مخالف یکی از مصادیقی است که موجب ذلت و حقارت برای مؤمن می شود. فقها نیز حکم به حرمت آن داده اند. (ریاض المسایل، ج ۸، ص ۱۷۴). امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده است: «خداوند خیلی از امور را به خود انسان واگذار کرده است، بجز اینکه حق ندارد که بدنبال ذلت نفس خود باشد.» (الکافی، ج ۵، ص ۶۳).

در حقیقت، حرمت تشبه زنان به مردان و یا بالعکس، بخاطر مفاسد اجتماعی آن است که دامن جامعه را می گیرد. گذشته از این که هر انسانی از نظر روانی و آرامش روحی دارای اوصاف خاصی است که موجب امنیت روانی و اجتماعی آن می گردد. اما دو گانگی شخصیتی و بحران هویت، یکی از مهمترین تأثیرات تشبیه به جنس مخالف است که زمینه انحرافات شخصی، روانی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. از این امر سبب می شود، زنی که از این حیث دارای بحران شخصیت و هویت شده است، تواناییها و ارزشهای را که خداوند در وجود آنها نهاده است، ضد ارزش بداند. در حال که براساس حکمت الهی، هر آنچه که در نهاد و ظاهر انسان قرار داده شده است، برای انسان ارزش و کمال است. فلذاست که بر اساس خلقت، زن و مرد از نظر ظاهری تفاوتی دارند که هر کدام در جای خود و به شکل خود، زینت، زیبا و حسن است. در غیر آن و تغییر دادن آن دخالت در امر خلقت است. لذا کسانی که با این نوع تغییرات که بر خلاف خلقت است، خوددنمایی می کند، مورد لعن خداوند قرار گرفته است.

حدیث ۸

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): « لیسَ لامرءٍ خطرٌ لصالحِهنَّ ولا لطالحِهنَّ: اما صالحهنَّ فلیسَ لها خطرٌ لذَّهبِ والفضَّه، و اما طالحهنَّ فلیسَ لها خطرٌ والتُّراب، والترابُ خیرٌ منهنَّ؛ هیچ یکی از زنان خوب و یابد، به امور مادی قابل ارزیابی و ارزش شناسی نیست. اما زنهای خوب و صالحه را نمی توان با ارزش طلا و نقره ارزشیابی کرد؛ اما زنهای بد، حتی ارزش خاک را هم ندارند تا با آن مقایسه کرده و ارزشیابی نمایند.» (دعایم الاسلام، ص ۱۹۵).

در قرآن کریم از نشانه های عظمت خداوند، همسر خانواده یاد شده است. همسر خانواده را وسیله آرامش می داند که فضای خانه و بنیاد خانوادگی را از هر گونه بحرانهایی روانی نجات می دهد. چنانچه امام رضا (علیه السلام) فرموده است: « ما افاد عبد فائده خیر من زوجة الصالحة؛ بهترین فائده برای بندگان خدا در زندگی، داشتن همسر صالح است». بنا براین، هر اندازه بانوی جامعه در صلاحیت کوشا باشد، مصادیق تسکین را برای خانواده و جامعه، بیشتر فراهم می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در باره زن صالحه می فرماید: « المرءة الصالحة خیرٌ من الف رجلٍ غیر صالح؛ یک زن شایسته و صالحه بهتر از هزار مرد ناصالح و ناشایسته است». (ارشاد القلوب دیلمی، ص ۱۷۵).

قرآن کریم وقت که از زن صالح یاد می کند، سخن از زن فرعون (آسیه) به میان می آورد. زیرا؛ زن فرعون در عین این که در کمال رفاه و آسایش بود و هر نوع وسایل آرایشی را در اختیار داشت، اما ارزش انسانیت، و کرامت خود را در برابر آن همه امکانات رفاهی نفروخته و این حقیقت را درک کرده که ارزش انسان بالاتر از امور مادی، طلا و جواهرات است. از این جهت بود که از زنهای صالحه است که قرآن کریم از آن به عنوان الگوی ارزشی یک زن بیان کرده است. فلذاست که پیامبر اکرم فرموده است که زن صالحه ارزش گزاری آن

بالا تر از آن است که آن را با طلا و نقره ارزشیابی کرد. اما زن غیر صالح و بد کار، نیز ارزشی ندارد که برای آن ارزشی قرارداد. او حتی ارزش خاک را هم ندارد.

بنابراین، هر اندازه در جامعه زنهای صالحه و عقیفه بیشتر باشد و ظهور کند، ارزش جامعه و خانواده را بالا برده، آرامش روحی و روانی را در جامعه رونق می دهد. بر خلاف زنهای فاسد و ناپاک که موجب نا امنی روحی و روانی جامعه می گردد.

حدیث ۹.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: « لاتغلوا فی مهر النساء، فیکون عداوة، در تعیین مهریه زنهای زیاده روی نکنید و آن را سنگین نگذارید؛ زیرا باعث دشمنی (میان زن و شوهر) می گردد.». (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۵۱)

مهریه واژه زیبایی است، وقت که از آن سخن به میان می آید نشانه های از مهر و محبت بر فضای قلب ظهور پیدا کرده و جلوه های از شادی و پیوند در ذهن خلجان می کند. مهریه فارسی در واژه عربی همان صدق، نحله و... است که تقریباً همه این کلمه ها نیز با درستی و صداقت و صمیمیت توأم است. مثلاً، «صدق» در اصل از «صدق» گرفته شده و دلالت بر رغبت صادقانه مرد به زن دارد و یا به خاطر آن که نشانه صدق و راستی، است زمینه برای رغبت مرد زن به هم دیگر است. و یا «نحله» ذر لغت به معنای بخشش از روی رضایت خاطر است که عوض ندارد.

فلسفه مهریه ای را که خداوند در آغاز زندگی مشترک و ازدواج واجب کرده، به این منظور است که مرد با مقدار معین از دارایی خود به زن می دهد و او را به اطمینان خاطر رسانده و قلبش را به آرامش و شادمانی می رساند.

اما متأسفانه در دنیای امروزی از مهریه به عنوان یک حربه باز دارنده در برابر تسلیم بدون قید و شرط مرد در برابر زن است. در نا آگاهی عده ای از انسانها، به جای این که مهریه، مهر آفرین باشد، موجب اختلاف و بحران رفتاری قرار گرفته و مرد پشت میله های زندان شده است. استاد مطهری در باره فلسفه مهریه می گوید: مهریه تدبیری از ناحیه قانون خلقت برای بالا بردن ارزش زن و قرار دادن او در سطح عالی تر است. مهریه به زن شخصیت می دهد و ارزش معنوی مهر برای زن، بیش از ارزش مادی آن است. (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۷۳)

در آموزه های دینی به کم بودن مهریه و آسان گیری در آن بسیار سفارش شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: بزرگترین و با برکت ترین ازدواج آن است که مهریه در آن کم باشد. و باز فرموده است: بهترین مهریه، سبکترین آن است. فلذا، امام علی (ع) در پیامد ها و آثار بد مهریه سنگین، این نکته را گوش زد نموده است که مهریه سنگین و زیاده روی در آن، موجب دشمنی میان زن و شوهر می گردد. در حقیقت، یک طلب کار و یک بدیهکار در زیر یک سقف زندگی می کند.

حدیث ۱۰.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) : « ایاکم خضراء الدّمن. قیل یا رسول الله ما خضراء الدمن؟ قال المرء الحسناء فی بنت السوء؛ از گیاه سرسبزی که در میان زباله رویده است بپرهیزید. عرض شد یا رسول الله آن کدام است؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده بدسرشت و بد اخلاق رشد کرده باشد، از ازدواج با او پرهیز کنید. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹)

در آموزه های دینی، تنها معیار ازدواج زیبایی و مال نیست؛ بلکه معیار های دیگری نیز می باشد. حتی در بعضی روایات از دواج فقط بر معیار زیبایی منع شده است. در برخی از بیانات رسول اکرم آمده است، هرگاه

با زنی بخاطر جمال و زیبایی او ازدواج نماید، چیزی خواهد دید که خوشایند او نباشد. در حال که از دیدگاه اسلام، معیار ازدواج، ایمان، اخلاق و تبار خانوادگی است. تبار خانوادگی و تربیت اخلاقی در ازدواج معیار اصلی است. از این جهت است که پیامبر اکرم فرموده است؛ زن زیبایی که در خانواده بد سرشت بزرگ شده است، از ازدواج با آن بپرهیزد.

در حقیقت، فلسفه ازدواج رسیدن به آرامش روانی، کمال یافتن زن و مرد در کنار یکدیگر و تولید نسل سالم و صالح برای اجتماع است. و اگر ملاک تصمیم گیری و انتخاب همسر، فقط زیبایی ظاهری و بدون توجه به دیگر معیارهای دینی و خانوادگی باشد و با تمرکز بر دیگر جاذبه های ظاهری و بدور از معیارهای اساسی و اصلی، به این گزینش دست بزند، نمی تواند تضمینی برای ادامه زندگی مشترک آنها داشت. زیرا؛ مدتی که بر زندگی می گذرد، معمولاً آن طراوتها و جاذبه های ظاهری، اُفت کرده و شور و عشق اولیه نیز فروکش می کند و تنها امتیاز که به خاطر آن ازدواج صورت گرفته بود کم رنگ می شود، آنگاه نهفته های باطنی و سیرت خانوادگی آن ظهور کرده و یا به آن پی برده و دلسردی، دلخوری ها، جای عشق و محبت را می گیرد طینت و سیرت اخلاقی خوب و یا بد، امری است که ریشه در بنیاد و نهاد خانوادگی دارد. فلذا، همین سیرتهای زندگی است که در جامعه جلوه های خوب و یا بد آن ظهور پیدا می کند. بنا براین، اگر پیامبر اکرم(ص) فرموده است گُلی که در مزبله بروید، از استفاده آن خود داری کنید. زن زیبایی که در خانواده بد سرشت رشد کرده باشد، همانند گُلی است که در مزبله رشد کرده باشد. تربیت دینی و اخلاقی در یک خانواده نقش مؤثری در جلوه های زندگی نسل آینده دارند.

با این وصف، از تجربه های زندگی فردی و اجتماعی آن است که تربیت و تبار خانوادگی در مسأله ازدواج نقش مهمی دارد. ظهور نسل این خانواده و نهاد و بنیاد در جامعه از جایگاه خاص برخوردار خواهد بود؛ زیرا، فرزند که در خانه و تبار انسانی و سیرت های صحیح اخلاقی رشد کرده باشد، ظهور و حضور آن نسل در جامعه موجب، آرامش و الگوهای زیبایی در جامعه خواهد بود. اما فرزندان که با ذهنیت های بد اخلاقی و رفتارهای خلاف شؤن انسانی، از خانه و خانواده پا در جامعه می گذارد، جز آسیبهای رفتاری و اخلاقی او در جامعه چیزی دیگری دیده نخواهد شد. روی این جهت است که بسیار از بحرانهای اجتماعی از این ناحیه شکل می گیرد.

پس اگر ازدواج تنها بر اساس زیبایی و بدون معیارهای اساسی دیگر باشد، به تعبیر پیامبر رحمت، در زندگی چیزی خواهد دید که نا خوشایند برای او خواهد بود.

حدیث ۱۱

پیامبر اکرم (ص): « أَنْ الْمَرْأَةَ إِذَا حَمَلَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، هِرْ گاه زن، بار دار شود، پاداش او مانند کسی است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد نماید. (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲)

هدف از فرزندآوری چیست؟

نکته کوتاه در این مورد این است که اگر پدر و مادران ما هم مانند ما راحت طلب و مسئولیت گریز بودند الان از ما و نسل جامعه اثری نبود و اگر همه چنین تصویری از بچه دار شدن داشته باشند نسل بشر قطع می شد و نوع او منقرض می گشت.

تکثیر نسل بشری

ازدواج تنها برای لذت جویی و ارضای غریزه جنسی نیست، بلکه وسیله ای برای تولید مثل و ادامه زندگی بشری است. به گونه ای که ازدواج را می توان قانون تکثیر دانست؛ امری که در سایه آن، نه تنها انسان، بلکه حیوانات و گیاهان نیز به حیات خود ادامه می دهند. در واقع، همسران باید به این نکته توجه داشته باشند که هدف از تشکیل خانواده و زندگی مشترک، وظیفه حیاتی تولید نسل پاک آدمی است که بر دوش آنان قرار گرفته؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به این امر اشاره می فرماید: با هم ازدواج کنید تا نسل شما زیاد

شود؛ زیرا روز قیامت، من به وجود شما نزد امت های دیگر مباحات می کنم، اگر چه بچه ای سقط شده باشد. و یا در مورد دیگر، بهترین زنان را زنانی می داند که بچه آور و دوشیزگان پر خیر و برکت باشند: «بهترین زنان، کسی است که فرزندآور، مهربان، عقیقه و در میان خویشان خود عزیز باشد. این خود اهمیت تولید نسل را می رساند.

روی این اساس، همان طوری که ازدواج از ضروریات زندگی انسان به شمار می آید و نیازی فطری و واقعی است و هدف ها و نیازهای زیادی را تأمین می کند مسأله تولید و بقای نسل انسان نیز از اهداف اساسی ازدواج است که مورد توجه دین اسلام قرار دارد و داشتن فرزند نیز خواسته ای تکوینی و فطری است و مبارزه با آن و بی اعتنایی نسبت به آن در واقع مبارزه و بی اعتنایی با این نیاز فطری و تکوینی است.

چنان که وجود انسانهای بزرگ و صاحبان اندیشه صحیح در جامعه آرزوهای هر عاقلی است. فلذا، تربیت انسان های ارزشمند از ثمرات بزرگ ازدواج است. وجود فرزندان باعث گرمی، پویایی و صفای کانون خانوادگی و انگیزه ای برای دوام زندگی و احتمالاً تخفیف درگیری های زن و شوهر است. از دیدگاه اسلام به طور کلی وجود فرزند صالح برای پدر و مادر و جامعه، یک عمل نیک محسوب می شود که در سعادت دنیا و آخرت آنان مؤثر خواهد بود رسول اکرم (ص) نیز می فرمایند: تزویج کنید تا صاحب فرزند شوید و بر شمار شما افزوده شود زیرا من در قیامت با امت های دیگر به وسیله کثرت شما مباحات می کنم. در حقیقت زوج ها هستند که رشته ی پیوند بین اعضای یک نسل را از طریق فرزندان خود بوجود می آورد.

حدیث ۱۲.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): « اَیْمَا اِمْرَاةٍ لَمْ تَرْفِقْ بِزَوْجِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلٰی مَا لَا یَقْدِرُ عَلَیْهِ وَ مَا لَا یَطِیْقُ لَمْ یَقْبَلِ اللّٰهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلْقٰی اللّٰهُ وَ هُوَ عَلَیْهَا غَضَبَانٌ؛ هر زنی که ملاحظه حال شوهرش را نکند و او را وادار به

چیزهایی نماید که طاقت و توان آن را ندارد، خداوند هیچ عمل او را قبول نمی کند و در قیامت خداوند را در حال ملاقات می کند که بر او غضبناک است». وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۴).

در آموزه های دینی، جهاد زن، نیکو شوهرداری است. سپاس از زحمات مرد، با محبت با او سخن گفتن، صبر بر نداری او، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هر زنی که در سختی و رفاه با شوهرش بسازد، و از وی اطاعت کند، خداوند او را با همسر ایوب محشور کند.

اسلام زن را هدیه الهی می داند که مکمل مرد است و این دو با هم می توانند کمال خود و جامعه را رقم زنند.

انتظارات بی مورد و غیر منطقی از عوامل مخرب رابطه زناشویی هستند. هر انتظاری که در حیطه رابطه زناشویی ظهور پیدا کند و شوهر قادر به انجام دادن آن نباشد انتظاری بی جا و نامعقول است. تنها نتیجه این نوع توقعات خشم، عصبانیت و ناامیدی در زندگی را بدنبال دارد. انتظاری که در رابطه مشترک زناشویی باید داشت، احساس خوشبختی و خوشحالی است. یکی از راههای احساس خوشی در زندگی مشترک، رعایت حال و توجه به امور مادی و شیوه کاری شوهر است که شیوه زندگی روز مره شان را به آن تنظیم نمایند. از آنجایی که تفاوت های در زندگی اجتماعی یک امر اجتناب ناپذیر است، هیچ گاه ممکن نیست که همه آدمها به شکل یک سان، در آمد زندگی داشته و همه مرفه و دارای توانایی مالی باشند. بسیار از بحرانهای درون خانوادگی، طلاق و از هم پاشدگی در چشم داشتها به در آمدها و وسایل زندگی دیگران است. فلذاست که توقعات در زندگی را بیشتر کرده و بدون توجه به اصل و فلسفه از دواج، بدنبال زرق و برقهای زندگی بوده، عشق، محبت، آرامش و دیگر نیازهای فکر و جسمی را فراموش کرده و از شوهر توقعات دارند که از توان آن خارج است. از این رو است که پیامبر رحمت (ص) فرموده است که اگر زنی توقع از شوهرش بکند که از توان و طاقت او خارج است. اعمال او نزد خداوند قبول نشده و در قیامت هم خداوند نظر محبت آمیز به او نداشته و به خشم و غضب خداوند مواجه می شود.

زنی که باعث ایجاد آزار و اذیت همسر خود شود، باعث غضب خداوند خواهد شد. رسول خدا (ص) فرمودند: هر زنی که با شوهرش نسازد و او را بر کارهایی که قدرت و طاقت ندارد مجبور کند، هیچ حسنه ای از او پذیرفته نشود و خدا را خشمناک ملاقات کند. (بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۵)

یکی از عوامل قوام، دوام و گرمی خانواده، قانع بودن زن نسبت به وضعیت مالی و اقتصادی خانواده و عدم تحمیل هزینه بیش از توان همسر بر اوست. پیامبر اکرم (ص) این اصل اخلاقی را به دخترش فاطمه سلام الله علیها تعلیم داده بود؛ از این رو با وجود دشواری معیشت، از حضرت علی (ع) درخواستی نمی کرد که بیش از توان او باشد یا او را به تکلف بیندازد.

حدیث ۱۳.

امام علی (ع): «خيار خصال النساء شرار خصال الرجال...؛ بهترین خصلتهای زنان، بدترین خصلتهای مردان است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۶).

در ادامه حدیث به سه چیز اشاره کرده می فرماید: *الزَّهْوُ* (تکبر) و *الْجُبْنُ* (جبان بودن، ترسو بودن) و *الْبُخْلُ* (بخیل و ممسک بودن). تکبر در مردان، یک خلق بسیار بدی است و حتی از نظر روانی یک نوع بیماری روانی تلقی شده است. جبن و ترسو بودن هم معلوم است یک نوع ضعف و ناتوانی برای مردان است. بخل و امساک هم که پول دوستی و مال دوستی است. اینها که برای مردها بدترین خلق و خوی شمرده می شود. در بیان امام علی (ع)، این صفات و خصلتها، بهترین خلق و خوی زن به شمار آمده و از صفات کمالی آن به شمار آمده است. سپس در توضیح آن اشاره کرده می فرماید: «فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَةً لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا»؛ زن وقتی که متکبر باشد و در خود احساس غرور نماید، مرد بیگانه را به خود راه نمی دهد و میان خود و میان مرد بیگانه حریم ایجاد کرده و از او احساس تنفر می کند، «وَإِذَا كَانَتْ بِخِيلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا»؛ اگر ممسک و بخیل باشد، مال خود و شوهر را نگهداری می کند، «وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَغْرِضُ لَهَا»؛ و اگر ترسو باشد، از هر حادثه ای که پیش می آید کنار می کشد و احتیاط می کند تا مبادا به آبرو و حیثیت او آسیبی وارد نماید. (مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲۲، ص: ۷۸۴)

بنابراین، «خیار» به معنای بهترین ها و «شرار» به معنای بدترین هاست. آنچه امام (علیه السلام) در این کلام نورانی فرموده اموری برای حفظ عفت زن و دور نگه داشتن او از تعرض مردان آلوده و کثیف و حفظ جایگاه او در خانواده است. روی این اساس، اگر زن در برابر مردان بیگانه تواضع و فروتنی کند ممکن است در او طمع ورزند، همچنین اگر به اصطلاح ترس باشد و به جاهای خطرناک برود، ممکن است در معرض خطرات ناموسی قرار گیرد. این جاست که ترس برای او فضیلت خواهد شد و پاسدار و نگاهبان عفت اوست.

همچنین اگر زن نسبت به هزینه کردن اموال شوهر بخیل باشد می تواند حافظ و نگاهبان ثروت او گردد؛ اما به عکس اگر دست بذل و بخشش او گشاده گردد ممکن است اموال شوهر و حتی اموال خودش را در مدت کوتاهی بر باد دهد و همین امر سبب اختلاف او با همسرش گردد و منجر به حوادثی شود که بسیار ناخوشایند است.

این صفات به ظاهر مذموم جبران ضعف هایی را می کند که در بسیاری از زنان هست؛ جاذبه جنسی در برابر نامحرمات نقطه ضعفی برای او محسوب می شود که تکبر آن را جبران می کند و ضعف جسمانی در برابر مهاجمان بیگانه نقطه ضعفی است که ترس جبران کننده آن است و موقعیت آسیب پذیر او در امانت داری خانه چیزی است که بخل آن را جبران می کند.

بدیهی است آنچه را امام (علیه السلام) در این کلام نورانی بیان فرموده به صورت مطلق و فراگیر نیست، به بیان دیگر منظور امام (علیه السلام) این نیست که در همه جا متکبر، یا ترسو و یا بخیل باشد، بلکه منظور مواردی است که در صورت نداشتن این صفات به عفت یا امانت او لطمه می زند و گرنه زنان نباید به بستگان، محرمات و دوستان زن خود تکبر ورزند یا از همه چیز حتی سایه خود بترسند یا در بخشش از اموال خود بخل به خرج دهند.

حدیث ۱۴.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): الحیاءُ حسنٌ و هو من النساء احسن. و امراءُ لا حیاءَ لها کطعام لا ملح له؛ حیا یک امر پسندیده است. اما از زنان پسندیده تر است. زنی که حیا ندارد مانند طعامی است که نمک ندارد. (نهج الفصاحه ص ۵۷۸، ح ۲۰۰۶).

حیا، از صفات کمالیه است که در هر شخص به نسبتی وجود دارد. حیا سبب پاکدامنی انسان، مخصوصاً زن می‌باشد. حیا زمینه‌ی تقویت ایمان و از ضروریات دین است که برای انسان شخصیت می‌آورد و شخصیت او را بالا می‌برد. داشتن حیا مورد رضای خدای عزوجل است. حیا میزان تعادل زندگی، مانع از فروپاشیدن خانواده و باعث تعدیل رفتارهای اجتماعی می‌شود.

بزرگان مطالب زیادی درباره‌ی حیا گفته‌اند و آن را یک صفت عالی در انسان دانسته‌اند. حیای واقعی، انسان را از دام شیطان می‌رهاند و به خدا نزدیک می‌کند.

آنچه که از آموزه های دینی استفاده می شود، این است که بیشتر برکات جامعه از حیا منشأ می‌گیرد و حیا نیروی عظیمی در تعدیل ثبات جامعه است و آنچه جامعه را به سوی انحطاط سوق می‌دهد و شخصیت واقعی زن را بی‌نقش می‌کند، بی‌حیایی و بی‌عفتی او است. مفسده‌های اجتماعی که در قبال بی‌حیایی زن سر می‌زند خود دلیلی بر این مطلب است.

میزان حیا در زن با مرد متفاوت است. از آن‌جا که بی‌حیایی مفسده‌های فراوانی به وجود می‌آورد، بزرگان ما این مهم را برای زن بیش از مرد واجب دانسته‌اند؛ زیرا تا هنگامی که زن خود را می‌پوشاند و زینت خود را از نامحرم محفوظ می‌دارد، در جامعه کمتر مفسده‌ای روی می‌دهد. طبیعت، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه‌ی مرد نیاز و طلب، و در غریزه‌ی زن ناز و جلوه قرار داده است.

حجاب و حیا، اصولی هستند که زن را به تعالی می‌رسانند. حجاب شاخه‌ای از حیا است، کسی که دارای حیا باشد حجاب دارد و کسی که حیا نداشته باشد از این موهبت الهی بی‌بهره است. در کشورهایی که به حجاب

اهمیت داده نمی‌شود، حیا نیز از بین رفته است. به عنوان مثال در کشورهای به ظاهر اسلامی که روح اسلام در آن‌ها خشک شده و ارزش‌های اسلامی جای خود را به ارزش‌های غیر اسلامی و مادی داده است حیا نیز بی‌بها شده است و در این کشورها، زنان و مردان با نهایت بی‌شرمی حرکاتی بر خلاف شئونات اسلامی به طور علنی انجام می‌دهند و این، ناشی از دور شدن مسلمانان از تعالیم الهی اسلام است. اینان بی‌حجابی را تمدن حساب می‌کنند و خود را متمدن جلوه می‌دهند، و استاد شهید مطهری (ره) در جواب این بی‌خبران چه خوب می‌فرماید: اگر بی‌حجابی تمدن است پس حیوانات متمدن‌ترند. همه‌ی حیا و همه‌ی خوبی‌هایی که در زن وجود دارد برگرفته از نیروی عظیمی است که او را هدایت می‌کند. (شهید مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۷۳).

حدیث ۱۵.

امام صادق (ع): « لا صیام لامرأة ناشزه، حتی تتوب؛ زن ناشزه و نافرمان، تا زمان که توبه نکند، اعمال شان قبول نمی‌شود. (دعائم الاسلام، ص ۲۶۸).

کانون خانواده منبع صفا، محبت و امید بوده و مایه تکامل روحی و اخلاقی انسان است. در سایه تشکیل خانواده و روابط خوب میان زن و شوهر، کمال و رشد ویژه‌ای به دست می‌آید که شاید جایگزین نداشته باشد. قرب الهی، پرورش عاطفه، بهبود وضع اقتصادی، بلوغ اجتماعی و ده‌ها نعمت و برکت دیگر، ثمره شیرین ازدواج و روابط زوجین در کانون گرم خانواده است. دست‌یابی به این کمالات در صورتی میسر است که ارکان سعادت خانواده بر بنیان استواری پایه‌گذاری شود و با برنامه صحیحی ادامه یابد.

بی‌شک، یکی از نیازهای انسان تأمین آرامش روحی و روانی، غریزه جنسی است که طریق مشروع آن، تنها با پیوند زناشویی صورت می‌گیرد. اسلام هیچ‌یک از غرایز انسان را سرکوب نکرده و از طریق قانونی و شرعی آن، اجازه رسیدگی و توجه بدان را داده است.

بنابراین، انقیاد و فرمان برداری زن از شوهر و تمکین کردن در خواسته های مشروع آن، یکی دیگری از اصول کانون گرم خانواده است. اما بر خلاف مکاتب غیر انسانی و فتنه انگیز فمینیستی و غربی، که مدیریت کلان مرد را در زندگی زیر سؤال می برند و اصول مسلم انسانی و دینی همچون غیرت را مخدوش می سازد، یکی از وظایف اصلی زن اطاعت از همسر خود در چهارچوب ضوابط شرعی و عقلی است.

با این وصف، منظور از فرمان برداری چیزی جز ایجاد محبت و صمیمیت در خانواده و از سوی دیگر، استحکام ارکان اساسی زندگی مشترک نیست که این رضایت الهی را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این وظیفه زن را این گونه بیان می فرماید: حق شوهر بر زن این است که از او اطاعت کند، و از نافرمانی اش پرهیزد و خود را در اختیار او قرار دهد. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲).

بنا براین، ناشزه گی و نافرمانی از دستور و حقوق شوهر، سبب می شود که اعمال زن، از جمله روزه او مورد استعجاب حق قرار نگیرد، تا این که توبه نموده و از این ستیزه گیری اجتناب نماید.

حدیث ۱۶.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): « خَيْرَ مَا يَكْنِزُ الْمَرْءُ الْمَرْأَةَ الصَّالِحَةَ. إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتَهُ، وَإِذَا أَمَرَ طَاعَتْهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ؛ بِهَيْتَرِ الْغَنِيِّهَا بِهَا لِلْمَرْءِ، زَيْنَ صَالِحَةٍ وَبَارِسَةٍ. هِرْكَاهُ بِهَا أَوْ مَيَّ نَكْرَدَ مَسْرُورَشْ كَرْدَه وَ غَمَهَا رَا اَزْ اَوْ مَيَّ بَرْد. وَ قَتِي اَزْ اَوْ چيزي بخوهد اطاعت نمايد. زمان كه نباشد، در غياب او، خود و ديگر امانتهای او را نگهداری کرده و پاسداری نماید. (نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۸۶).

اطاعت زن تنها وظیفه ای دنیوی نیست، بلکه عملی عبادی بوده و ثواب و جزای نیک الهی بر آن مترتب می شود. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است و هرزنی که یک هفته کارهای

همسرش را به انجام رساند، خداوند هفت در دوزخ را براو می بندد و هشت در بهشت را بر وی می گشاید تا از هر کدام که خواست داخل شود. (وسایل الشیعه، ح ۲۵۳۴۲)

نهاد خانواده، اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ‌های گوناگون، تربیت‌های مختلف، زمینه ساز شکوفایی استعدادهای بالقوه اعضای آن و نیز زمینه ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها و اعضای خود است. زن و شوهر (همسران) به عنوان ارکان اصلی و اولیه تشکیل این نهاد اجتماعی، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در پویایی، استحکام، امنیت، سازمان‌دهی، آرامش روانی و رشد ابعاد مختلف شخصیتی اعضای خانواده دارند. اما اگر مهمترین اعضای یک خانواده را بر اساس وظایف و مسئولیت‌ها رتبه بندی نماییم، بی شک زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. در امر ازدواج، انتخاب یک زن شایسته و با ایمان چه در جایگاه اولیه آن به عنوان همسر و چه در جایگاه دیگر آن به عنوان مادر فرزندان برای هر مردی نیاز به دقت نظر و نکته سنجی فراوان دارد. در دین مبین اسلام تأکید بسیاری بر ازدواج با زن شایسته شده است. زیرا زن ستون خانه و خانواده است و او کسی است که فرزندان را در دامن خود پرورش می دهد و آینده جامعه را با تربیت صحیح فرزندان رقم می زند.

رسول خدا (ص) در این باره فرمودند: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ؛ از خوشبختی مرد، داشتن همسر شایسته است. (کافی، ج ۵، ص ۳۲۷).

همسر شایسته یکی از برکات و نعمات بسیار مؤثر در زندگی مردان است و مطابق فرمایش پیامبر اکرم (ص) بعد از تقوا و پرهیزگاری نعمتی بالاتر از همسر صالح به مردان عطا نگردیده است: «مَا اسْتَفَادَ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ؛ مومن، پس از تقوای الهی، بهره‌ای بهتر از همسر شایسته نبرده است. (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۷).

و طبق کلام آن حضرت، آسوده ترین زندگی از آن کسی است که همسری شایسته را برای خود برگزیده، نه آن کسی که مال و مکنت فراوان برای خود فراهم نموده باشد: «خوش ترین زندگی، از آن کسی است که خداوند سبحان به او قناعت بخشیده و همسری شایسته روزی اش کرده است. (غررالحکم، حکمت ۳۲۹۵).

قرآن کریم هم در این مورد زیبا فرموده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند».

حدیث ۱۷.

پیامبر اکرم(ص): «العفاف زينه النساء؛ عفاف و پاک دامنی، زینت برای زن‌هاست» (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۹۹۳، ح ۲۰۰۸)

امنیت فردی و اجتماعی در جوامع غربی و شرقی و دینی و غیردینی به میزان قابل توجهی مرهون پاکدامنی زن است. همان‌گونه که هویت ارزشی عفاف و حجاب در یک جامعه می‌تواند زمینه‌ساز سلامت فردی و اجتماعی آن جامعه شود، بی‌هویتی در این مسئله پیامدها و آثار مخرب فراوانی به دنبال دارد که ایجاد اختلال در شخصیت فردی یا اجتماعی مردان در گستره وسیعی از ساحت وجودی آنان از جمله آنها به شمار می‌رود.

واژه «پاکدامنی» به معنای پاکی، عفت و عفاف است. .

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «هیچ بندگی و عبادتی در پیشگاه الهی با فضیلت‌تر از پاکدامنی شکم و فرج نیست» (الکافی، ج ۳، ص ۱۲۶). عفت و پاکدامنی نیرویی است که انسان را قادر می‌سازد تا در برابر گناهان و خطاها، خوشتن‌دار باشد و با اراده‌ای قوی و راسخ به سوی رشد و تعالی و پاکی روح و روان و در نهایت، رضایت حق تعالی گام بردارد. از عمده ترین آثار و برکات عفاف و پاک دامنی زن، امنیت و آرامش روحی و روانی خانواده و جامعه است. آرامش روحی و روانی از لوازم مهم زندگی بشری است که بدون آن ادامه مسیر زندگی میسر نیست. نداشتن ترس و دلهره سبب می‌شود انسان با فراغت خاطر بیشتری به فعالیت‌های خود در

محیط اجتماعی و حتی محدوده خصوصی و درونی خویش پردازد و به سوی موفقیت و کمال مادی و معنوی قدم بردارد.

از دیدگاه روانشناختی، یکی از مؤثرترین عوامل امنیت روانی مرد، پاکدامنی و عفت همسر اوست، چنان‌که خداوند در سوره کریمه روم می‌فرماید: «یکی از آیات لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید تا در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرید...» (روم: ۲۲).

زن به دلیل برخورداری از عواطف زیاد و روحیه لطیف، می‌تواند همواره آرامش‌بخش روح خسته از ناملایمات و سختی‌های محیط کاری و اجتماعی مرد باشد. حال اگر زنی از این وظیفه مهم خویش سر باز زند و به دنبال هوسرانی و عیاشی خود باشد و کانون خانوادگی را فدای جلوه‌گری و هوس‌بازی‌های خود نماید، نه تنها به همسر و فرزندان خود، بلکه به اجتماع نیز خیانت کرده است.

متأسفانه در جهان امروز، هویت ارزشمندی زن دستخوش تطوّر و تقلّب و دگرپسندی شده است و مفاهیم معنای خود را از دست داده‌اند. اگر زنی ارزش را در تبرّج و تظاهرات جنسی دیده و با خودنمایی اندام خود را در معابر و محافل در معرض دید اجنبی قرار دهد، این مطلب به عنوان یک «خیانت» به امنیت روانی همسر او تلقی خواهد شد و موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر در جامعه می‌گردد. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۱۴، ص ۴۴۶).

زنی که باید با تدبیر و نیروی فطری عاطفه و محبت خویش، کانون پر از مهر و عطوفت و صفا و صمیمیت را برای شوهر و فرزندان خود مهیا نماید و محیطی سرشار از آرامش و آسودگی خاطر فراهم آورد، به عنصری ضد آرامش و آسایش و برهم‌زننده امنیت فکری و روانی خانواده و به دنبال آن اجتماع تبدیل می‌شود؛ جامعه‌ای که آرامش فکری و روحی و روانی مناسبی نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند در زمینه علم و صنعت و تکنولوژی به استقلال و رشد و بالندگی دست یابد.

منتسکیو، حقوقدان و دانشمند نامدار فرانسوی، درباره تأثیر مخرب مخدوش شدن عنصر عفاف در امنیت روانی می‌گوید: «از دست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد و معایب و نواقص تولید می‌کند و روح مردم را فاسد می‌سازد که اگر کشوری دچار آن شود، بدبختی زیادی از آن ناشی می‌گردد؛ به همین جهت، قانونگذاران با

وجدان، همواره عفت را به زنان توصیه می‌کنند و از آنها وقار و رعایت موازین اخلاقی را توقع دارند (هاشمی رکاوندی، ترجمه سید مجتبی، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، ص ۱۹۸)

بنابراین، حفظ حریم عفت و حیا در زنان تأثیر بسزایی در سلامت جامعه و رشد و پیشرفت آن دارد؛ جامعه‌ای که از خانواده‌ها شکل یافته است و زنان با حفظ عنصر عفت و به دنبال آن، ایجاد آرامش و آسودگی روحی مرد و در نتیجه آن، تلاش و فعالیت بیشتر مرد در جامعه، می‌توانند در بالندگی کشور و رسیدن به دروازه‌های خودکفایی مؤثر باشند.

حدیث ۱۸.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ.» (کافی، ج ۵، ص ۳۲۷)؛ از خوشبختی مرد، داشتن همسر شایسته است.

نهاد خانواده، اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ‌های گوناگون، تربیت‌های مختلف، زمینه ساز شکوفایی استعدادهای بالقوه اعضای آن و نیز زمینه ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها و اعضای خود است. زن و شوهر (همسران) به عنوان ارکان اصلی و اولیه تشکیل این نهاد اجتماعی، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در پویایی، استحکام، امنیت، سازمان‌دهی، آرامش روانی و رشد ابعاد مختلف شخصیتی اعضای خانواده دارند. اما اگر مهمترین اعضای یک خانواده را بر اساس وظایف و مسئولیت‌ها رتبه بندی نماییم، بی شک زنان از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهند بود. در امر ازدواج، انتخاب یک زن شایسته و با ایمان چه در جایگاه اولیه آن به عنوان همسر و چه در جایگاه دیگر آن به عنوان مادر فرزندان برای هر مردی نیاز به دقت نظر و نکته سنجی فراوان دارد. در دین مبین اسلام تأکید بسیاری بر ازدواج با زن شایسته شده است. زیرا زن ستون خانه و خانواده

است و او کسی است که فرزندان را در دامن خود پرورش می دهد و آینده جامعه را با تربیت صحیح فرزندان رقم می زند.

همسر شایسته یکی از برکات و نعمات بسیار مؤثر در زندگی مردان است و مطابق فرمایش پیامبر اکرم (ص) بعد از تقوا و پرهیزگاری نعمتی بالاتر از همسر صالح به مردان عطا نگردیده است: «مَا اسْتَفَادَ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ». (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۷)؛ مومن، پس از تقوای الهی، بهره ای بهتر از همسر شایسته نبرده است.

و طبق کلام رسول گرامی (ص) آسوده ترین زندگی از آن کسی است که همسری شایسته را برای خود برگزیده، نه آن کسی که مال و مکنت فراوان برای خود فراهم نموده باشد: «أَنْعَمَ النَّاسُ عِشًا مِنْ مَنْحَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْقَنَاعَةُ وَ أَصْلَحَ زَوْجُهُ»؛ (غررالحکم، حکمت ۳۲۹۵) خوش ترین زندگی، از آن کسی است که خداوند سبحان به او قناعت بخشیده و همسری شایسته روزی اش کرده است.

حدیث ۱۹.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «ان للرجل حقا علی امراته اذا دعاها ترضیه و اذا امرها لا تعصیه و لا تجاوبه بالخلاف و لا تخالفه ؛ مرد حقی بر زنش دارد [و آن حق این است که] چنانچه او را صدا زند پاسخ دهد، و هنگامی که او را دستوری دهد سرپیچی نکند و پاسخ مخالف ندهد و با او مخالفت نرزد.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳).

زن مایه‌ی سکونت و آرامش است، زن الگوی مدیریت در نهاد خانواده و خانه است؛ به طور کلی، محورِ کانونِ خانواده زن است، فلذا زن است که باید آرامش و سکونت را در خانه مدیریت نماید. چنان که قرآن کریم

فرموده است: « وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ از جنس خود انسان، همسری برای او قرار داد، تا مایه‌ی سکونت و آرامش گردد.

از سوی دیگر، ریاست شوهر و اجازه زن از او در مسائلی که مربوط به اداره خانواده است، هم قانونی است و هم شرعی است. بر اساس شرع اسلام و قانون مدنی، پس از انعقاد قرارداد نکاح، هر یک از زوجین حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر پیدا خواهند نمود. همانطور که در قرآن کریم آمده است: «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (بقره، ۲۲۸)؛ یعنی برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است. از این رو در حقوق اسلام، همانطوری که تکلیف اتفاق و تامین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد به عنوان رئیس تشکل خانواده، اطاعت نماید. چنان که در باره فلسفه اطاعت زن از شوهر، چنین اشاره می‌شود.

خانواده به عنوان اولین و بنیادی‌ترین تشکل در جامعه، نیاز به مسؤول یا سرپرست دارد و پر واضح است که هیچ تشکل و اجتماعی بدون مسؤول و رهبری واحد که تدبیر امور را در دست داشته باشد، ممکن نیست. واگذاری اداره خانواده که متشکل از زن و مرد است به هر دوی آنها در واقع به معنای فقدان مسؤول و سرپرست در چنین تشکل بنیادی جامعه است.

اثبات ریاست شوهر بر خانواده از ناحیه قرآن و روایات روشن و قطعی است. از جمله، «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (نساء، ۳۴). مردان سرپرست زنان هستند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر نفقه‌ای که از اموالشان به زنان می‌پردازند.

خداوند متعال در آیه فوق حق ریاست بر خانواده و سرپرستی و تدبیر امور خانواده را به دلیل برتری‌های طبیعی جنس مرد به او سپرده است و در مقابل، مرد مکلف شده است که مخارج و هزینه زندگی او را تامین نماید. آیه فوق بعد از این که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می‌کند به حکمت یا علت این امتیاز و حق اشاره می‌کند و می‌فرماید: «بما فضل الله بعضهم علی بعض» یعنی این سرپرستی به خاطر تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده « و بلافاصله در مقابل چنین حقی، تکلیفی را

به عهده شوهر قرار می دهد و می فرماید: «و بما انفقوا من اموالهم» یعنی «این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد اتفاق کردن و پرداختهای مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند». (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱).

باید توجه داشت که این برتری جنس مرد بر زن در ریاست و اداره خانواده، از حیث وزن انسانی و اجتماعی او نیست، بلکه بر اساس مصلحت اجتماعی و از باب خاصیت‌های طبیعی و فطری زن و مرد به او داده شده است. قرآن کریم هیچ نقشی برای جنسیت در برتری و کرامت انسانی قائل نشده است و فقط تقوی را ملاک برتری انسان نسبت به دیگران دانسته است. فلذا، قرآن کریم در اینجا تصریح می کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است. پس اطاعت زن از مرد، هم حکم شرعی دارد و هم حکم قانونی.

حدیث ۲۰.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«اعلم ان النساء شتى فمنهن الغنيمه والغرامه و هي المتحبه لزوجها والعاشقه له ... (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱)؛ بدان که زنان گوناگونند، برخی از آنان دستاوردی گرانبها و برخی تاوان و رنج های برای آدمی هستند؛ و اما زن دستاورد گرانبها، زنی است که به شوهرش محبت کرده و به او عشق می ورزد.»

شک نیست که زن و شوهر از دو خانواده و در دو فرهنگ جداگانه پرورش یافته اند. طرز فکرها، سلیقه ها، طرز تلقی ها و برداشت ها متفاوتند و ممکن است درباره هر مسئله اختلاف نظر وجود داشته باشد. در اختلاف نظر است که هریک مدعی اتخاذ شیوه ای می شود و چون با همدیگر کنار نمی آیند، می گویند: همسرم مرا درک نمی کند. این خود موجب پیدایش انفجار در زندگی خانوادگی است. اما اگر دو نفر بکوشند که یکدیگر

را بشناسند و از علایق و اندیشه های یکدیگر آگاهی پیدا کنند، مطمئناً به موفقیت هایی دست می یابند. در راه درک یکدیگر و رسیدن به تفاهم، زوجین باید به این اطمینان برسند که محبوب یکدیگرند و در بینشان پیوندی حقیقی وجود دارد.

این نکته را نباید فراموش کنیم اگر انتظارات افراد از دیگران با مقدورات آن ها برابری داشته باشد، آنجا درک کردن وجود دارد. در چنین موقعی، تلاش و کوشش و امید حرکت به وجود خواهد آمد. ولی وقتی انتظارات از حدود مقدورات فرد خارج باشد، درک کردن وجود ندارد و در نتیجه، سردی و یأس و بی علاقه‌گی به هم دیگر به وجود خواهد آمد؛ از اینجا است که عشق، محبت و رابطه عاشقانه در زندگی مشترک، تبدیل به خصومت، و درگیریهای کانون گرم خانواده می گردد. (تعدادل و استحکام خانواده، ص ۱۵۴).

در زندگی مشترک زوجین، شاید رعایت آداب به صورتی کامل امکان پذیر نباشد، ولی وجود احترام متقابل برای آن ها اصلی اساسی است. درگیری ها و اختلافات آشکار هنگامی پدید می آیند که پرده حرمت فیمابین دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قایل نباشند. مهم ترین شیوه برای جلوگیری از بروز درگیری ها در بین زن و شوهر تحکیم روابط و تکریم یکدیگر است. تکریم کردن زن به شوهر و بر عکس، طرفین را دل باخته و اسیر یکدیگر می سازد؛ آن چنان که هرگز از زندگی با همدیگر احساس سیری و خستگی نمی کنند و سعی دارند همیشه در کنار یکدیگر و دور از همه گونه فریب ها و دغل ها زندگی کنند. حرمت گذاردن به هم دیگر، یک حُسن است و هر زن و مرد باید در جست و جوی نقاط مثبت در زندگی همسر و تکریم او به خاطر آن نقطه مثبت باشد. (خانواده و مسائل همسران جوان، ص ۲۵۸).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«الرَّجُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزِمَ بَيْتَهُ وَتُؤَدِّدَهُ وَتُحِبَّهُ وَتَشْفَقَهُ وَتَجَنَّبُ سِخْطَهُ وَتَتَّبِعُ مَرْضَاتَهُ وَتَوْفَى بَعْدَهُ. وَوَعْدَهُ؛ حَقٌّ»
مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد، و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم وی دوری گزیند، و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴).

امروزه اکثر روابط نه به دلیل عدم عشق بلکه به دلیل عدم توانایی شخص در وفاداری به همسر و وفاداری به تعهدی که به شریک زندگی خود داده است، دوام نخواهد داشت. این یک واقعیت شناخته شده است که خیانت، یکی از مهمترین دلایل شکست و جدایی زوج ها و بخش غم انگیز آن است. وجود خیانت، به این معنی نیست که شما باید از این باور صرف نظر کنید که شخصی می تواند شما را عمیقاً و با ایمان دوست داشته باشد. یک مرد، ممکن است نگران باشد که خیانت را تجربه نکند و بخواهد مطمئن شود که زنش، به او و خانه او وفادار است. یکی از مهم ترین نشانه های زن وفادار این است که او هرگز در مورد چیزهایی که مهم است، به شوهر دروغ نمی گوید و صادقانه وقایع زندگی را با او در میان می گذارد.

اولویت بندی در زندگی مشترک نقش اول را دارد. از نشانه های زن وفادار و متعهد این است که او اولویت های خود را بداند و همیشه شوهرش را در اولویت زندگی خود قرار دهد. به عبارت دیگر، یعنی او هیچ کاری مهمی را بدون اجازه شوهر تصمیم نگرفته و خود سرانه انجام ندهد. و این حقیقت را باید درک کند که خانواده و شغل وی ممکن است مهم باشد، اما او همچنین باید به این باور برسد که رابطه او با شوهر از اولویت زندگی او هست.

هم چنین، یک زن زندگی و زن وفادار و متعهد، عشق واقعی شان این است که او، حتی اگر در بدترین وضعیت خود قرار بگیرید، بازهم کنار شوهر بوده و او را تنها نمی گذارد؛ حتی اگر این به معنای صدمه زدن به خودش و شغل او در این روند باشد، مرد ترجیح می دهد در تاریک ترین زمان ها زن کنارشان باشد تا آن که در جایی روشن کنار شخص دیگری باشد. او بعد از غلظه ادواج هرگز نباید شوهرش را ترک کند، حتی اگر به راحتی

بتواند خوشبختی را با کس دیگری پیدا کند . و هم چنین، او باید همیشه بدترین شرایط شوهر را درک کند و در این شرایط او را تنها نگذارد.

بنا براین، از این جهت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در شرایط خاص زندگی زناشویی و راه اطمینان از خیانت همسر، می فرماید که حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد، و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم وی دوری گزیند، و آنچه را مورد رضایت اوست انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد. زنی که براساس پیمان و تعهد زندگی مشترک، متعهد بوده و صادقانه از زندگی و ملازمات زندگی وی محافظت نماید، معلوم است که زن وفادار، دلسوز و عاشق زندگی مشترک است.

حدیث ۲۲.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«خیر نسائکم الودود الولود المؤاتیة وشرها اللجوج؛ ؛ بهترین زنانان زنی است که با محبت، فرزندان او را سازگار باشد، و بدترین آنان زنی است که لجباز باشد.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲).

در مورد زن ولود و با محبت، مطالبی به مناسبتهای بیان شد. اما در باره زن لجوج و شرّ زنها، در ذیل این حدیث مطالبی اشاره می گردد. لجبازی و یکدندگی خصوصیتی آزاردهنده است که می تواند از کودکی همراه انسان باشد و در بزرگسالی نه تنها خانواده و دوستان را آزار می دهد، بلکه زندگی مشترک را هم با مشکل جدی مواجه می سازد.

لجبازی قاتل زندگی مشترک و دردی است مزمن. در روابط زناشویی لجبازی یکی از رفتارهای ناسازگارانه است؛ یعنی پافشاری روی نظرات و عقیده‌های خود و مخالفت با نظرات و عقیده‌های دیگران که این مخالفت گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه است. اصولاً لجبازی یک نوع رفتار و واکنش نامطلوب است که به صورت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد از جمله آسیب رساندن به زندگی مشترکی است که نهاد و بنیاد خانواده بر آن نهاده می‌شود.

لجبازی در زندگی زناشویی می‌تواند بر ابعاد مختلف رابطه زن و شوهر تاثیر بگذارد. بسیاری از دلخوری‌ها را به وجود آورده و عواقب ناگواری دارد که لجبازی در زندگی مشترک، آن را با مشکل مواجه می‌کند و حتی ممکن است که زندگی زناشویی را به بن بست نیز بکشاند. و از آثار مهمی منفی لجبازی، اختلافات زن و شوهرها است که به سلامت روانی خانواده و فرزندان آسیب می‌رساند. از این جهت است که پیامبر اکرم (ص) از زن لجوج و لجباز به شرّ زن‌ها یاد کرده است.

حدیث ۲۳.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«من کان له امراء تؤذیه لم یقبل الله صلاتها ولا حسنہ من عملها حتی تعینه وترضیه وان صامت الدهر وقامت واعتقت الرقاب وانفقت الاموال فی سبیل الله وکانت اول من ترد النار.»؛ کسی که زنی دارد که [آن زن] به او آزار می‌رساند، خداوند نماز و کارهای نیک زن را نمی‌پذیرد تا اینکه به مرد کمک و او را راضی کند، اگر چه این زن تمام عمر را روزه بگیرد و نماز بخواند و بندگان را آزاد و دارایی [اش] را در راه خدا انفاق کند. و این زن نخستین کسی است که وارد آتش جهنم می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶).

واژه همسرآزاری که در اذهان عموم به عنوان خشونت شوهر علیه زن به کار می رود و در تمام اعصار و جوامع وجود داشته است و با نهایت تأسف در جوامع امروزی نیز رو به افزایش است. در دیدگاه اسلامی، برای ایجاد وحدت و صمیمیت واقعی میان زن و شوهر، به تفاوت های غریزی و طبیعی آنها توجه شده است و بر اساس این تفاوت ها، برای هر یک حقوقی متناسب وضع گردیده است. اما در تعریف شوهر آزاری گفته می شود: رفتاری آزار دهنده از سوی زن علیه شوهر که در محیط خانواده به وقوع می پیوندد و حقوق او را پایمال می کند، البته ممکن است جنبه روانی، جنسی، اقتصادی و جسمی داشته باشد. شوهر آزاری می تواند ابعاد و مصادیق مختلفی داشته باشد: بعد روانی شامل تخریب حیثیت و آبروی شوهر، شکستن حرمت پدر در نزد فرزندان، فحاشی و انتساب صفات ناشایست، عدم توجه به خواست و انتظارات شوهر، تبعیض بین خویشاوندان خود و شوهر و مقایسه نامناسب همسر با سایر مردان، بزرگ نمایی مسائل جزئی، بدبینی و سوء ظن می باشد. بعد جسمی شوهر آزاری شامل ضرب و جرح و همسرکشی می باشد. نوعی دیگر از آزار و اذیت ها، ریشه اقتصادی داشته و عمدتاً شامل تصرف بدون اجازه و تخریب و نابودی اموال شوهر می باشد. زن در چنین آزارهایی با مصرف بی رویه، موجب نارضایتی شوهر می شود و چه بسا از نظر مالی وی را در تنگنای اقتصادی قرار دهد، به حدی که برای تأمین مخارج زندگی خویش تلاش مضاعفی کند و احساس خستگی جسمی و روحی نماید. آزار و اذیت شوهر در بعد جنسی، زن می تواند در روابط جنسی با شوهر به صورت محرومیت جنسی و بی میلی جنسی باشد. شوهر آزاری دارای علل و عوامل متعددی است که این عوامل عبارتند از علل فرهنگی مانند عدم شناخت وظایف و مسئولیتها، سستی باورهای مذهبی و علل روان شناختی مانند تنهایی، افسردگی، توهم، اضطراب، ترس، عدم علاقه و بروز تنفر می باشند (مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۷، شهریور ۱۳۹۷).

بنابراین، چه زن آزاری و یا شوهر آزاری، هرکدام از نظر حقوقی پیگرد قانونی دارد. منتهی در این قسمت بحث مربوط به بشوهر آزاری است که علاوه بر پیگرد و پیامد حقوقی و اجتماعی، پیامد های معنوی دارد که پیامبر اکرم (ص) از آن به عدم قبولی نماز و دیگر عبادات ها و وارد شدن در جهنم یار فرموده است.

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم به استقبال می آید، و چون از خانه بیرون می روم بدرقه ام می کند و زمانی که مرا اندوهگین می بیند می گوید: اگر برای رزق و روزی [و مخارج زندگی] غصه می خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می خوری، خدا اندوهت را زیاد کند [و بیشتر به فکر آخرت باشی]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان الله عمالا و هذه من عماله لها نصف اجر الشهيد؛ برای خدا کارگزارانی [در روی زمین] است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷).

در عالم تکوین زن و مرد را به گونه ای آفریده اند که در عین حالی که با هم تفاوت هایی را دارند، بتوانند در زندگی مکمل هم بوده و ضعف های هم را جبران کنند. ازدواج بر اساس آیات قرآن کریم موجب آرامش، مودّت و رحمت خواهد بود. زن و شوهر مکمل یکدیگر هستند. یعنی در هر کدام ویژگی هایی است که اگر جمع شود مجموعه کاملی را فراهم می کند.

از دیدگاه اسلام، زن و مرد در نقش ها و مسئولیت هایی که بر عهده دارند، چه در سطح جامعه و چه در محیط خانواده در برابر یکدیگر نیستند، بلکه مکمل همدیگر هستند. بسیاری نقش ها و مسئولیت هاست که فقط زن می تواند ایفا کند و بسیاری موقعیت ها و تکالیف است که از عهده مرد بر می آید. خانواده کانون مشارکت در انسان در مقام زن و شوهر است. ارتقای هریک از اعضای خانواده تا حدود بسیار، در گرو ارتقای اعضای دیگر است. تعبیر زیبا و گویای قرآن، به همین اصل مکمل بودن اشاره دارد: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره، ۱۸۷). زن و شوهر لباس و پوشش یکدیگرند؛ هریک بدون دیگری به انسان برهنه ای می ماند که در برابر ناملایمات زندگی و نیازهای زیست انسانی، بی پناه و بی دفاع خواهد بود. کلام الهی در روابط اجتماعی با تعبیر بعضکم من بعض بر این نکته تأکید می ورزد که شما از یکدیگرید و بندگی حق، مسیری است که بی هیچ تفاوتی در آن قرار گرفته اید و در آن کمک کار همدیگرید.

بنابراین، زن و مرد، هم در جامعه و مناسبات و روابطی که ساختار آن را شکل می دهد، و هم در فضای خانه و مناسبات خانوادگی، دو وجود مکمل یکدیگرند، و نه دو قطب مخالفی که وجود هریک، عرصه را بر دیگری تنگ می کند و ناگزیر یکی باید حذف شود و یا تسلیم دیگری باشد؛ از این رو در شناخت و تنظیم مناسبات اجتماعی و خانوادگی زن و مرد و معرفی وجه انسانی و اجتماعی آنان، حضور و نقش آفرینی هریک بدون دیگری را باید ناقص شمرد.

در این میان، در نهاد داخلی این بنیاد اجتماعی، زن نقش مؤثر تری دارد. یکی از تأثیر گذاری های مهم آن، آرامش روحی و روانی در داخل منزل و رفتار محبت آمیز با شوهر و دیگر اعضای خانواده است. از جمله شوهر که بسیار از مسئولیتهای خانگی و اجتماعی را دارد، ممکن است در فرا روی آن با مشکلاتی نیز رو برو گردد. از این رو است که زن مدیر و مدبر در خانه، با مدیریت صحیح خود کمکی فکری، روحی و روانی را برای شوهر فراهم نموده و راهگشای زندگی شان باشد. زن از این که در موقعیت شوهرش سختی های زندگی مشترک را تحمل می کند به شوهرش مشورت فکری می دهد، از او دلجویی می کند، سختی های زندگی را با درایت خود برایش آسان و ناچیز جلوه می دهد، از جهات روحی تقویتش می کند تا بتواند با سختی های زندگی مبارزه کند و با نشاط و دلگرمی و با توکل به خداوند به زندگی مشترک خود ادامه دهند.

از این جهت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اجر این گونه زنهارا اجر شهید فرموده است.

حدیث ۲۵.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

«علیها ان تطیب باطیب طیبا وتلبس احسن ثیابها وتزین باحسن زینتها؛ بر زن است که [برای شوهرش] خوشبوترین عطرهايش را بزند و قشنگ ترین لباس هایش را بپوشد، و از زیباترین زینت هایش استفاده کند.» (الكافی، ج ۵، ص ۵۰۸).

یکی از وظایف زن در خانه آن است که باید مرتب بوده و حالت آرایشی داشته باشد و همیشه برای شوهرش خود را زینت و آرایش نماید. متأسفانه در شرایط امروزی بر خلاف دستور اسلام و آموزه های دینی، کوشش بیش تر خانم ها بر این است که، وقتی می خواهند به گردش بروند، یا در مجلس جشن، شب نشینی و مهمانی شرکت کنند، آرایش می کنند، بهترین لباس ها را می پوشند و به بهترین وجهی که برای شان مقدور است از منزل خارج می شوند، ولی به محض بازگشتن لباس های خوب و زیبا را از تن خارج ساخته لباس های معمولی و مندرس را می پوشند، در داخل خانه مقید به پاکیزگی و نظافت نیستند، آرایش و زینت نمی کنند، با موهای ژولیده و لباس های به اصطلاح، خانه داری در منزل می گردند، لباس های لکه دار و جوراب های پاره در خانه می پوشند، در حالی که باید بر عکس باشد. زن باید در خانه برای شوهرش آرایش و دلبری کند، باید برای شوهرش که شریک زندگی و یار و مونس دایمی و پدر فرزندان است، زینت و دلربایی کند، باید دلش را به دست آورد تا دل بران کوچه و خیابان نتوانند در دلش جا باز کنند، دیگران چه ارزشی دارند که برای شان آرایش و زینت کند؟! حیف نیست زن آرایش و زیبایی خویش را در مقابل چشم چرانی بیگانگان قرار دهد و برای جوانان و بانوان اشکالاتی به وجود آورد؟ (ابراهیم امینی، آیین همسر داری).

پیغمبر اسلام می فرماید: هر زنی که خودش را خوشبو کند و از منزل خارج شود، تا به خانه برنگردد از رحمت خدا دور خواهد بود. (بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷)

و در حدیثی دیگر می فرماید: بهترین زنان شما زنی است که مطیع شوهر باشد. برای او آرایش کند، ولی زینتش را برای بیگانگان ظاهر نسازد و بدترین زنان شما زنی است که در غیاب شوهر زینت کند. (همان)

مام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خیر نساءکم، الطیبۃ الریح، الطیبۃ الطبیخ التی اذا انفقت انفقت بمعروف وان امسکت امسکت بمعروف فتلك عامل من عمال الله وعامل الله لایخیب ولایندم؛ بهترین زنان شما زنی است که دارای بویی خوش و دست پختی خوب باشد. هنگامی که خرج می کند، بجا خرج کند، و هنگامی که خرج نمی کند بجا از خرج کردن خودداری ورزد. چنین زنی کارگزاری از کارگزاران خداست و کارگزار خدا نه ناامید می شود و نه پشیمان.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵).

شوهرداری، خانه داری و مادری سه وظیفه اصلی زن در خانواده است. اگرچه اسلام مدیریت خانواده را بر مرد واگذار کرده است، ولی نباید نقش مدیریتی زن را در ایفای وظایف یاد شده نادیده گرفت آنچه یک زن نمونه را در ایفای وظایف خود در خانه و خانواده موفق می کند، به کارگیری اصول و شیوه های مدیریت اسلامی در شوهرداری، خانه داری و تربیت فرزند است. از این رو موفقیت مرد در مدیریت خانواده نیز تا حد زیادی به معاونت و همکاری زن وابسته است. بنابراین می توان گفت که هرکدام از مرد و زن در حوزه خانواده بهره ای از مدیریت دارند. از این رو نقش زن در مدیریت خانه و خانواده اگر بیشتر از مرد نباشد، کمتر نیست. رسول اکرم (ص) می فرمایند: «الرجل راع علی اهل بینه و هو مسئول عنهم و المرأة راعیه علی بیت بعلها و ولده و هی مسئوله عنهم» مرد سرپرست و نگهبان اعضای خانواده خویش و در برابر آنان مسئول است و زن سرپرست و نگهبان خانه، شوهر و فرزندان است درباره آنها بازخواست می شود.

یکی از ویژگی های خانواده سالم و شاداب، امانت داری زن در برابر اموال و دارایی های مرد خانواده است. به عبارت دیگر خانواده تا زمانی می تواند شادابی و سلامت خود را حفظ کند که اعضای خانواده با حقوق و مسئولیت های یکدیگر آشنا باشند. یکی از حقوق مرد بر زن خانواده این است که همسرش در حضور و غیاب او حافظ اموال و دارایی هایش باشد و در عین این که امانت دار اسرار و مشکلات داخل خانواده باشد.

باید توجه داشت که امانت داری فقط به حفاظت از دارایی مادی مثل پول و ملک و وسایل زندگی مربوط نمی شود. یکی از مواردی که زن مسلمان باید برای حفظ و نگهداری آن اهمیت زیادی قائل باشد، مسائلی مثل

آبرو، رازها، مشکلات و موارد دیگری است که احتمالاً مرد خانواده نمی‌خواهد دیگران از آن‌ها باخبر باشند. زن امانت‌دار، در عین حال که از اموال و دارایی مرد در غیاب او حفاظت می‌کند، حافظ اسرار و آبروی او هم هست و مثلاً با مطرح کردن مشکلات مادی یا غیرمادی همسرش، آبروی او را به خطر نمی‌اندازد.

از این جهت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده، که بهترین زنان شما زنی است، هنگامی که خرج می‌کند، بجا خرج کند، و هنگامی که خرج نمی‌کند بجا از خرج کردن خودداری ورزد.

در احکام اسلامی انواعی از خیانت در امانت نقل شده است. در این میان، شیوه خیانت در امانت همسران است.

حفظ کردن مال شوهرش و امانت‌داری در برابر دارایی‌های او فقط به این نیست که خانم خانه اموال خانه را بدون اجازه شوهرش به دیگران ندهد. موارد دیگری هم وجود دارد که امانت‌داری زن را ثابت می‌کند.

استفاده کردن نا به جا و بی‌اندازه از وسایل خانه، بر پا کردن مهمانی‌های پرهزینه که مرد را به‌سختی بیندازد، مراقبت نکردن از لوازم خانه، دقت نداشتن در موقع استفاده از وسایل، اسراف کردن در استفاده از مواد غذایی و آب و برق و ... همه این موارد برخلاف کارهایی است که یک زن امانت‌دار انجام می‌دهد.

درواقع تمام اموال مرد که در خانه وجود دارد و زن و فرزندان از آن‌ها استفاده می‌کنند، به عنوان امانتی هستند که خانم وظیفه دارد از آن‌ها مراقبت کند. پس هر کاری که باعث شود عمداً به اموال و وسایل خانه آسیب برساند و مرد را به دردسر بیندازد، خیانت در امانت محسوب می‌شود. (مصاحبه با دکتر فروغ نیلچی زاده استاد حوزه و دانشگاه در موضوع زن و امانت داری، ۱۸ شهریور ۱۳۷۹، مرکز قرآن و اندیشه، تهران).

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

نزل جبرئیل علی النبی (ص) فقال: «یا محمد! ان ربک یقرئک السلام و یقول: ان الأبکار من النساء بمنزله الثمر علی الشجر، فاذا اینع الثمر فلا دواء له الا اجتناؤه والا أفسدته الشمس و غیرته الريح و ان الأبکار اذا ادركن ما تُدرک النساء فلا دواء لهن الا البُعول والا لم یؤمن علیهن الفتنه. فصعد رسول الله (ص) المنبر فخطب الناس، ثم اعلمهم ما أمرهم الله» (خصال صدوق، ح ۲، ص ۲۶۰).

امام رضا (ع) فرمود: جبرئیل نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: ای محمد، پروردگارت تو را سلام می رساند و می فرماید: دوشیزگان همچون میوه روی درخت هستند. میوه چون برسد برای آن چاره ای جز چیدن نباشد و گرنه آفتاب آن را فاسد و باد آن را خراب می کند. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله رشد زنان برسند، آنان را دارویی جز شوهر کردن نباشد و گرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود. پس، رسول خدا (ص) بالای منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند را به آگاهی آنان رساند.

امام رضا (ع) به منظور حفظ کرامت دوشیزگان به ازدواج نمودن تأکید می کنند و این نکته را با نقل روایتی که در آن با تشبیهی ظریف، دختران را به میوه درختان تشبیه کرده اند، بیان می دارند چراکه اگر در ازدواج آنان تأخیری رخ دهد چه بسا آسیب ها و فتنه هایی دامن گیر آنها شود که هرگز جای جبران ندارد.

از نظر اسلام تاخیر ازدواج امر نکوهیده ای است که مورد رضایت خدا نیست. اما آن چه امروز در جوامع اسلامی، خصوصاً در جامعه ما، در عمل دیده می شود، متأسفانه بر خلاف سفارشات اسلام است.

در حال که، ازدواج یکی از بهترین نیازهای آدمی است که دین مقدس اسلام به آن اهمیت فراوانی داده است و آن را از بهترین سنت های دینی شمرده که مایه برکات بی شماری است. از نظر قرآن، ازدواج مایه

آرامش روح و روان آدمی است، که این خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است. (روم، آیه ۳۱).

تشویق اسلام به ازدواج خصوصاً در سن جوانی و کراهت اسلام از تجرد و رهبانیت، در بسیاری از سخنان معصومین آمده است. آثاری چون بزرگداشت سنت پیامبر، قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند، به خشم آوردن شیطان، کامل شدن ایمان جوانان، زیاد شدن روزی، و مانند آن از برکات ازدواج، در کلام معصومین شمرده شده است. همچنین تاخیر در امر ازدواج در روایات مردود دانسته شده است. هیچ چیز نباید باعث تاخیر انسان در ازدواج شود، حتی اگر فقر باشد. (نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۹۷)

و در روایت دیگر به کسانی که صاحب دخترند سفارش می‌کند در ازدواج دخترانشان تعجیل کنند. کارشناسان امور اجتماعی عوامل زیادی برای افزایش سن ازدواج عنوان کرده‌اند که از آن عوامل:

۱. عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی گرچه یکی از ضروریات حیات انسان است، به طوری که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست. اما با این حال، اگر در برنامه ریزی و سیاست اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیاد به وجود می‌آید. یکی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی بر می‌گردد که در ذیل به چهار عامل آن اشاره می‌شود.

۱. افزایش جرایم

بالا رفتن جرایم و آسیب‌های اجتماعی مانند: اعتیاد، بی بند و باری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها شده است. بلکه باعث سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است که جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوشبختی، نگاه نکند و سرنوشت خود را از کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند، تشبیه کند.

۲. تحصیلات دانشگاهی

طولانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه سبب شده است: اولاً، اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و بعد هم تا به دست آوردن شغل، از ازدواج سرباز زنند؛ و ثانیاً دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی حاضر به ازدواج با پسران غیر دانشگاهی و غیر تحصیل کرده نبوده و درصد بالایی از آنان بدون همسر بمانند، یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند؛ چنان که امروز شاهد این معضل هستیم.

۳. عوامل اقتصادی

یکی از عمده‌ترین دلایل تاخیر ازدواج از نظر جوانان، عوامل اقتصادی است. علت نداشتن تمایل به ازدواج در اکثر آن‌ها برخوردار نبودن از شغل، مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است. در این بین خانواده‌های دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد بزرگی برای ازدواج دخترانشان می‌دانند، خصوصاً خانواده‌هایی که چند دختر با فاصله‌های سنی کم، دارند.

بنابراین عدم توان اقتصادی کافی، انگیزه ازدواج جوانان را پایین می‌آورد و اجازه نمی‌دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند.

با این وصف، منسوخ شدن ارزش‌های معنوی و جایگزین شدن ارزش‌های مادی، سبب شده بسیاری از جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای این که کسب فضایل انسانی را هدف خود قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در جمع مال دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده زندگی مادی، مسابقه می‌گذارند. این طرز تفکر همه چیز از جمله ازدواج را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اما جوانی که دغدغه اصلی اش حفظ و کامل شدن ایمانش است، چون ازدواج را ایجاد کننده نسیمی از ایمان می‌داند، تمام امکانات خود را برای به دست آوردن آن بسیج می‌کند

حدیث ۲۸. امام رضا (ع) می فرماید:

« النکاح رقّ فاذا انکح احدکم ولیده فقد ارقّها فلینظر احدکم لمن یرقّ کریمته» ؛ ازدواج بندگی و پذیرش مسئولیت است. پس هر که از شما دختر و جگرگوشه اش را شوهر دهد او را به بندگی داده است. پس هر یک از شما باید بنگرد که فرزند گرامی و عزیز خود را به بندگی چه کسی می دهد. *وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ*، ج ۱۴، ص ۵۲).

در این روایت نکات ظریفی درباره حفظ کرامت زن نهفته است که اشاره به آن خالی از لطف نیست. نخست آن که حضرت ازدواج دوشیزگان را از دریچه اقدام پدر می بینند ودقّت و حساسیت را از پدران می خواهند چه این که دوشیزگان با توجه به لطافت روحی و حساسیت های سن جوانی چه بسا نتوانند در شناخت مردان چندلایه، پیروز میدان باشند و تعبیرهای «رق: بندگی» تشخیصی استوار داشته باشند. دیگر اینکه در مقابل تعبیر سنگین را آورده اند که کرامت دختران محفوظ بماند و تصویری مثبت از شخصیت «ولیده و کریمته» آن ها ایجاد شود. ازدواج در عین این که بندگی و مسئولیت آور است، از نظر تربیتی آثار و پیامدهای زیادی دارد.

زدواج اولین گام یک فرد، برای ایجاد و تکوین زندگی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود، کارکردهای مناسب و پیامدهای سازنده آن در طول زندگی مشترک ملموس خواهد بود.

علّامه محمّد تقی جعفری در پاسخ این سؤال راسل که چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و آن را قانون قرار داده، گفته است: «اسلام با ازدواج می خواهد انسان واقعی به وجود آورد، و مسئله انسان و انسانیت مطرح است.» (میثاق مقدس، ص ۷).

ازدواج در فرهنگ اسلامی، پیوندی مقدّس است که موجب حفظ دین، افزایش ثواب عبادات، و به وجود آورنده مودّت و رحمت است. ازدواج همچنین عاملی مؤثر در حفظ پاک دامن و طهارت دل هاست. رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) می فرماید: هر کس می خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد. (مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۵۰)، به وسیله ازدواج، یکی از سرکش ترین نیروها یعنی غریزه جنسی، ارضا شده، میل به انحراف در انسان کاهش می یابد و در واقع، هوای نفس، که منشأ بسیاری از ناهنجاری هاست، تا حد زیادی مهار می گردد و مهار هوای نفس از یک سو، و رحمت و مودّت الهی که در ازدواج حاصل می شود از سوی دیگر، موجب کمال نفس و نورانیت دل می گردد؛ زیرا کسی که به طرف گناه و ناهنجاری نرود و مشمول عنایات الهی باشد، به نورانیت درون و قلب نایل می گردد. در حال که این خود بهترین نوع بندگی است.

امام رضا (ع) می فرماید: « إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيتَ دِينَهُ وَخُلِقَ فَرْوَجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَفَاقَتَهُ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... وَانْ كُونُوا فَقْرًا يَغْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ »؛ اگر مردی از تو خواستگاری کرد که از دین و اخلاقش راضی بودی، با وی ازدواج کن و فقر و تنگدستی او مانع ازدواجت نباشد. خداوند متعال فرمود: اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲)

امام رضا (ع) ارزش را برای مسائل درونی و قابلیت ها می بینند. از این رو در هشداری معنادار، خانواده ها را از توجه کوتاه بینانه به مسائل ظاهری و مادی باز می دارند. در حال که معیار ازدواج در اسلام:

۱. دین و ایمان؛ امام صادق (ع) می فرماید: « إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكِ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ »؛ هنگامی که مرد به خاطر مال و جمال زن با او ازدواج کند، به همان واگذار می شود و هرگاه به خاطر دینش با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را رزق او می سازد. (الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳).

۲. اخلاق خوب

امام رضا علیه السلام در جواب یکی از یارانش که نوشته بود قصد ازدواج با کسی را دارم که خوش اخلاق نیست، فرمودند: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکن (الکافی، ج ۵، ص ۵۷۳). اخلاق در زندگی باعث شیرینی زندگی و رشد خانواده می شود. اموری همچون: راستگویی، امانتداری، کم توقعی، از امتیازات بر جسته انسان و معیار اصلی برای ازدواج است. با این وصف، متأسفانه در شرایط و دنیای امروزی بر اثر توقعات بی جا و سنگ اندازیهای در مسیر ازدواج، و شرط های سنگین، موجب شده است که بسیار از جوانها در مورد ازدواج بی رغبت شده و پیامدهای اجتماعی آن که فساد و بی بندوباری است دام گیر جامعه شده است.

حدیث ۳۰.

مولی امیرالمؤمنین علیه السلام: «صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحِمَالِهَا؛ حجاب و حفاظت برای زن هم از جهت آسایش حال او مناسب‌تر است و هم برای زینت و جمال او ماندگارتر می‌باشد. (فهرست غرر، ص ۳۸۰).

عده‌ای گمان می‌کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است که خانواده و وابستگی شوهر برای او به وجود آورده است. در حالی که در بینش قرآن کریم، حجاب زن تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید از حق خود صرف‌نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد نیست تا بگوید من راضی‌ام. حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند. بلکه حجاب زن، حق الهی است و لذا در جهان غرب و کشورهای غربی مبتلا هستند اگر زن همسر داری آلوده شد و همسرش رضایت داد، قوانین آن‌ها پرونده را مختومه اعلام می‌کند.

اما در اسلام چنین نیست. زیرا حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه شوهر و نه حق برادر و فرزندان است. همه این‌ها اگر رضایت بدهند، قرآن رضایت نخواهد داد، چون حرمت و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است. یعنی حیثیت زن، حریم خداوند است.

بر این اساس، حجاب داشتن یا نداشتن امری اختیاری نیست که کسی در مورد آن تصمیم بگیرد. حجاب، حق خداست و باید رعایت شود. زنی که با پوشش نامناسب در مقابل نامحرمان حاضر می‌شود

در وهله اول، حق خدا را ضایع کرده است. و در مرحله دوم، خود و شخصیتش در معرض خطر انداخته است. (زن در آیینه جمال و جلال).

.حدیث ۳۱.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «إِيْمَا اِمْرَأَةٍ اَعَانَتْ زَوْجَهَا عَلَى الْحَجِّ وَالْجِهَادِ اَوْ طَلَبِ الْعِلْمِ اَعْطَاهَا اللهُ مِنْ الثَّوَابِ مَا يُعْطَى اِمْرَأَةً اَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ هر زنی که شوهر خود را در رفتن به حج یا جهاد یا تحصیل علم یاری دهد خداوند اجر و ثواب همسر حضرت ایوب پیغمبر علیه السلام را به وی عطا می فرماید. (مکارم الاخلاق، ص ۲۰۱).

.حدیث ۳۲.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «مَنْ صَبَّرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا اَعْطَاهَا اللهُ مِثْلَ ثَوَابِ اَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ؛ هر زنی که بر بد اخلاقی همسرش صبور و شکیبا باشد خداوند همانند اجر و پاداش آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) را به او عطا می فرماید. (مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴).

بر اساس آموزه های دینی، زنانی که در برابر بد اخلاقی همسر خود صبر کنند، در روز قیامت با حضرت زهرا سلام الله علیها محشور می شوند. با وجود اینکه صبر کردن در برابر آزار و اذیت دیگران به خصوص همسر، سخت و مشکل است اما یکی از راه های تقرب به سوی خدا محسوب می شود و از آموزه های اصلی در سبک زندگی دینی محسوب می شود. در همین مورد، روایتی از حضرت امیرالمؤمنین امام علی

علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند: «جهاد یک زن عبارت از آن است که در برابر آزار و اذیت شوهر خود صبر پیشه نماید. (مکارم اخلاق...)»

نکته جالب این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاداش زن‌های صبور در برابر آزار شوهر را این طور مشخص کرده‌اند: «هر زنی که در برابر سخن شوهرش که نسبت به او می‌گوید صبر کند و از خودش بردباری و مقاومت نشان بدهد، خداوند متعال به ازای هر کلمه ناسزا و درشتی که می‌شنود اجر و ثوابی را که برای روزه‌داران و مجاهدان در راه خدا تعیین فرموده، به او عطا می‌فرماید.»

از عوامل مهم صبر و تحمل در زندگی مشترک، جلوگیری از فروپاشی خانواده است. فلذا، حفظ کانون خانواده از خطر فروپاشی یکی از وظایف خطیر همسران است و تمام تمهیدات اخلاقی خانواده به منظور سعادت زندگی مشترک و در نهایت، جلوگیری از جدایی زن و شوهر در نظر گرفته شده است. طلاق و جدایی، منشأ آفات فراوان در زندگی فردی و اجتماعی افراد و موجب ضایع شدن تربیت کودکان و پیدایش نابسامانیهای بسیار است.

اثر دیگر تحمل آزار و بداخلاقی همسر، تکامل روحی و معنوی انسان است. صبر در مقابل اذیت همسر، موجب تقویت صفات عالی اخلاقی چون صبر و خویشتنداری و نیز موجب پاداش اخروی و قرب الهی می‌شود. خلاصه اینکه تحمل همسر وظیفه دیگر در زندگی مشترک است که موجب پیشگیری از آشفته‌گی زندگی خانوادگی می‌شود و از فروپاشی کانون خانواده جلوگیری می‌کند. پاداش الهی نیز نتیجه دیگر تحمل آزار همسر است. (فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ۲جلد).

حدیث ۳۳.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «ما من امراه تسقى زوجها شربه من ماء الا كان خيرا لها من عباده سنه صيام نهارها وقيام ليلها وبنى الله لها بكل شربه تسقى زوجها مدينه فى الجنه وغفر لها ستين خطيئه هر زنى كه به شوهرش مقداری آب دهد، برای او بهتر از عبادت يك سال است كه روزهایش روزه باشد و شب هایش عبادت كند . و خداوند به جای هر مقدار آبی كه به شوهرش بنوشاند، شهری در بهشت برایش می سازد و شصت گناهش را می آمرزد.»

اطاعت زن تنها وظیفه ای دنیوی نیست، بلکه عملی عبادی بوده و ثواب و جزای نیک الهی بر آن مترتب می شود.

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الْأُمْرَأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَإِذَا امْرَأَةٌ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَتْ؛ زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است و هرزنی كه يك هفته کارهای همسرش را به انجام رساند، خداوند هفت در دوزخ را براو می بندد و هشت در بهشت را بر وی می گشاید تا از هر کدام كه خواست داخل شود. (مستدرک الوسائل، حدیث ۱۶۶۳۲).

۲. در روایت دیگر آمده است: زنی نیست كه جرعه ای آب به شوهرش دهد، مگر اینکه این عمل او برتر است از عبادت يك سال كه روزهایش را روزه و شبهایش به نماز سپری شده باشد و همچنین خداوند در مقابل هر جرعه ای كه به شوهرش نوشانده است، شهری در بهشت پیا می كند و شصت خطای او را می بخشد. (وسائل الشیعه، حدیث ۲۵۳۴۳).

۳. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می فرماید: اگر زن خدایش را بشناسد و به او و به رسولش ایمان آورد و فضل اهل بیت پیامبرش را درك كند و نماز پنجگانه را بجا آورد و روزه ماه رمضان را

بگیرد و عفت خویش را حفظ کند و اطاعت همسرش نماید، از درهای بهشت هرکدام بخواهد، وارد شود. (مستدرک الوسائل، حدیث ۱۶۶۰۰).

انقیاد و فرمان برداری زن از شوهر، بر خلاف مکاتب غیر انسانی و فتنه انگیز فمینیستی و غربی است، که مدیریت کلان مرد را در زندگی زیر سؤال می برند و اصول مسلم انسانی و دینی همچون غیرت را مخدوش می سازد، یکی از وظایف اصلی زن اطاعت از همسر خود در چهارچوب ضوابط شرعی و عقلی است. بی شک، اگر شوهر همسر خود را به یک فعل حرام دعوت نماید، بر اساس «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق» آن زن نمی تواند در این مورد از وی اطاعت کند. (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸).

بنابراین، باید گفت: منظور از فرمان برداری چیزی جز ایجاد محبت و صمیمیت در خانواده و از سوی دیگر، استحکام ارکان اساسی زندگی مشترک نیست که این رضایت الهی را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) این وظیفه زن را این گونه بیان می فرماید: حق شوهر بر زن این است که از او اطاعت کند، و از نافرمانی اش پرهیزد و بی اجازه وی صدقه ندهد، و روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه او، خود را در اختیار او قرار دهد، (همان).

مقام مادر

از مهمترین نقشهای زنان، نقش مادری و تربیت فرزند است. به لحاظ اهمیت و جایگاه این نقش در اسلام، حضرت پیامبر(ص) فرموده است: «الجنة تحت أقدام الأمهات». سعدی نیز که خود در کودکی، پدر از دست داده و با تربیت مادر بزرگ شده بود، بر اساس فرهنگ اسلامی، وجود مادر را از امدادهای عالم غیب می دانست و معتقد بود آغوش دلپذیر مادر، مانند «بهشت» است.

در شعر سعدی، مادر، پند آموز فرزندان، بخصوص دختران است و رموز زندگی چون صرفه جویی در روز آسانی و توشه نهادن از بهر تنگدستی و در دنیا به فکر آخرت بودن را به ایشان می آموزد. از دیدگاه سعدی، وجود مادر نعمت الهی است که باید شکر آن را به جای آوری، وگرنه با کوران برابری. اما در همیشه تاریخ، جوانانی یافت می شده اند که قدر مادر، نیکو نمی دانستند و کودکی خویش و زحمات او را فراموش می کردند. سعدی نقل می کند که:

جوانی سر از رای مادر بتافت دل دردمندش به آذر بتافت....

مادر چون درمانده شد، گهواره فرزند سست مهرِ فراموش عهد را، پیش آورده ضعف کودکی را به او خاطر نشان کرد و تذکر داد «تو آنی که از یک مگس رنجه ای» سپس نصیحتش کرد که دوباره درگور به همان ناتوانی برمی گردی که نتوانی موری از خویش برانی.

گویا خود سعدی هم روزی به جهل جوانی بانگ بر مادر زده و سبب شده که او دل آزرده به کنجی نشیند و گریان همیگوید: «مگر خردی فراموش کردی که درشتی می کنی؟».

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن

گر از عهد خردیت یادآمدی که بیچاره بودی در آغوش من

نکردی در این روز بر من جفا

که تو شیر مردی و من پیرزن

مقام مادر در فرهنگ مسلمانان، حرمت و قداستی دارد که باید از جانب فرزندان رعایت شود. یکی از مصادیق این حفظ حرمت، خودداری از دشنام دادن به مادر دیگران است که سبب مقابله به مثل می گردد. آورده اند که پیامبر(ص) فرمود: «کسی که پدر و مادر خود را دشنام دهد، نزد خدا ملعون است» چون اصحاب از چگونگی امر پرسیدند، پاسخ فرمود: «زیرا وقتی کسی، مادر فردی را دشنام دهد، آنکس نیز مادر و پدر او را دشنام می دهد.» سعدی در رساله صاحبه می گوید:

هر بد که به خود نمی پسندی

با کس مکن ای برادر من

گر مادر خویش دوست داری

دشنام مده به مادر من

حدیث ۳۵.

زن خوب

نگاه سعدی به زنان زمان خود و کلا به ماهیت زن، نگاهی منطقی و واقع بینانه است. این شاعر بزرگ که سروده هایش برای مردم عادی قابل فهم است، در اشعارش به بررسی جایگاه زنان خوب و بد از دیدگاه شرع و عرف پرداخته است.

یکی از بهترین اشعاری که می توان نظر سعدی را در باب زنان از آن برگرفت، اییاتی است که در بوستان در باب عالم تربیت آورده و در آن ها به مقایسه ی زن خوب و زن بد می پردازد. در این رابطه سعدی در بیان صفات زن خوب چند ویژگی را ذکر می کند:

فرمانبری، پارسایی، غمگساری، خوبروی بودن، یکدلی، خوش سخنی، عیب پوشی، خانه داری و علاقمند به همخوابی با همسر، امانتدار و...

به اعتقاد سعدی چنین زنی مرد درویش را پادشاه می کند و مردی که زنی با صفات ذکر شده داشته باشد باید به خاطر آن که چنین همسری همراه اوست، پنج نوبت شکر به جای آورد.

به اعتقاد سعدی چنین زنی حتی اگر در عین پارسایی و خوش سخنی، بدسیما باشد، نسبت به زنی زیبا روی و بداخلاق ارجح است. سعدی بر این باور است که چنین زنی آرام دل است ضمن آن که باید از همسر بد به خدا پناه برد.

زن خوب فرمانبر پارسا	کند مرد درویش را پادشا
برو پنج نوبت بزن بر درت	چو یاری موافق بود در برت
همه روز اگر غم خوری غم مدار	چو شب غمگسارت بود در کنار
که را خانه آباد و همخوابه دوست	خدا را به رحمت نظر سوی اوست
چو مستور باشد زن و خوبروی	به دیدار او در بهشت است شوی

زن بد

سعدی در قسمت های زیادی از اشعارش به توصیف زن بد می پردازد و آن را به کلاغی تشبیه می نماید که با طوطی هم نفس و هم قفس است و طوطی در پی فرصتی است برای رهایی از بند قفس. سعدی آواره شدن در جهان از دست چنین زنی را به بیچارگی، تحمل همخانگی با همسر بد ترجیح داده، بر این باور است که زن بد مثل کفش تنگ است که بدون کفش رفتن (نداشتن همسر بد) بهتر از داشتن کفش تنگ است و بلای سفر را به جان خریدن بهتر از جنگ هر روزه در منزل و گرفتاری در زندان اولی بر ابروهای گره کرده ی زن بداخلاق در خانه است. به همین جهت سفر برای صاحبخانه ای که بانوی زشت اخلاق در خانه دارد، عید است.

زنی را که جهل است و ناراستی بلا بر سر خود نه زن خواستی

چو در روی بیگانه خندید زن دگر مرد گو لاف مردی مزن

زن شوخ چون دست در قلیه کرد برو گو بنه پنجه بر روی مرد

سعدی در مورد غیرت مردانه و رها کردن زن توسط مرد برای هر عملی نیز اینچنین سروده است:

ز بیگانگان چشم زن کور باد چو بیرون شد از خانه در گور باد

چو زن راه بازار گیرد بزن و گرنه تو در خانه بنشین چو زن

اگر زن ندارد سوی مرد گوش سراویل کحلش در مرد پوش

زن خوب از نگاه اندیشمندان جهان

خوشبخت ترین زن کسی است که مرد را بعد از ازدواج بهترین مرد جهان کند (نیوتن)

خوشگلی زن زینتی است زوال پذیر ولی حسن اخلاق او نعمتی است لایزال (جرجی زیدان)

در دنیا هیچ منظره ای جالبتر از زنی که مشغول پختن غذا برای مرد محبوب خویش است وجود ندارد (توماس ولف).

شیرین کلامی توأم با حیا زیباترین زینت زنان است (اوربسپید).

زیبائی ظاهری زن! فقط چشم را لذت می بخشد اما زیبایی اخلاق و فهم او روح را نوازش می کند (ولتر).

اگر زن با تقوا و خوش خلق در خانه محقر و فقیری باشد آن خانه را محل آسایش و فضیلت و خوشبختی می سازد (اسمایلز).

هر اندازه که زن آرام ، مطیع و با عصمت و عفت است به همان اندازه قدرت فرمانروایی او شدیدتر و استوار تر است (میشله)

تقوی و پرهیزکاری برای یک دختر برازنده تر از هر جواهری است (آنا تول فرانس).

چیزی که در زن قلب مرا تسخیر می کند مهربانی اوست نه روی زیبایش. من زنی را بیشتر دوست دارم که مهربانتر باشد (شکسپیر).

زن عاقل با شوهر بی پول خوب می سازد (مثل روسی).

سخنان بزرگان درباره نجابت زن:

زن شاهکار خلقت است (برنارد شاو).

زیباترین خوی زن ، نجابت اوست (ارد بزرگ).

در دنیا تنها دو چیز زیباست ، زن و گل (مالرب).

تمدن چیست ؟ نتیجه نفوذ زنان پاکدامن است (امرسون).

اگر زن نبود نوابغ جهان را چه کسی پرورش می داد ؟ (ناپلئون).

مردان قانون وضع می کنند و زنان اخلاق به وجود می آورند (کونته ورسیه).

جملات حکیمانه در باره زنان:

زن بدون مرد مثل یک ماهی بدون دوچرخه است ! (فلورانس کندی).

زن بودن کار بسیار شاقی است ، چون معمولاً مستلزم سر و کله زدن با مرد و بچه های خانه است.

رابین مورگان).

هر کجا مردی یافت شد که به مقامات عالیہ رسیده یقیناً زنی پاکدامن او را همراهی کرده است. (شیلر).

چنان که امام خمینی (ره) در بیان زیبا تری فرموده: « مرد از دامن زن به معراج می رود).

زن کتابی است که جز به مهر و محبت خوانده نمی شود (لامارتین).

زن وقتی که دوست ندارد، غیر از محبوب خود چیزی را نمی بیند و هرچه عاطفه، مهربانی، نوازش و فداکاری دارد تنها برای او به کار می برد. (آلفونس دوده).

۴۰.

زن و مقامات علمی و معنوی

هیچ تردیدی در این نیست که در اسلام، زن را همسان و همشأن مرد در جهت رسیدن به بعد اقتصادی، سیاسی، علمی و معنوی شمرده شده، و با تحکیم موقعیت و شخصیت انسانی او، همان امتیازی را که برای مردان داده است، و زنان را نیز همدوش مردان در عرصه های زندگی معنوی، مادی، اقتصادی و وظایف اجتماعی داده است؛ چنان که قرآن کریم نیز چنین فرموده است:

«أَنْتِ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، ۱۹۵). ؛ من کار هیچ کارگزاری را از شما چه مرد و چه زن بی مزد نمی گذارم. و هم چنین در آیات دیگر نیز می فرماید:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء، ۱۲۴). ؛ و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - درحالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و مورد ستم قرار نمی گیرند.

و «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷). هر که از اهل ایمان کار شایسته ای انجام دهد چه زن باشد و چه مرد او را در

فضای زندگی پاکیزه ای حیات می بخشیم و آنان را به نیکوتر از آنچه عمل کرده اند پاداش می دهیم. و هم چنین آیات: (اسراء / ۱۹؛ فصلت / ۴۱؛ مدثر / ۳۸؛ نساء / ۳۲).

از نظر قوانین اسلام و قرآن، انسان مالک هر چیزی است که از راه کسب و کار به دست می آورد و در این جهت نیز، خداوند متعال تفاوتی بین زن و مرد قرار نداده است. بر اساس قوانین اقتصادی اسلام، زن می تواند در فعالیتهای اقتصادی مشارکت کند، در جهت افزایش رفاه و آسایش زندگی همراه با آزادی - با حفظ حدود و شرایط - نصیب خود و دیگران کند و با تأمین مشکلات و مسائل اقتصادی، انسانها را به سوی هدف واقعی، یعنی کمال و قرب به خدا سوق دهد.

تنها امتیاز که در انسان است، چه مرد باشد و یازن، تقواست. خداوند تقوا را ملاک ارزش و معیار سنجش بین انسانها قرار داده، و آن را سبب امتیاز و برتری معین کرده، و خویشتن داران و کسانی که خود را از دام هوسها و بزهکاری حفظ کرده اند و در محدوده الهی گام برداشته اند - چه مرد و چه زن - را گرامیترین معرفی کرده است. (حجرات، ۱۳)

پس، خداوند تقوا را سبب امتیاز دانسته، و تنها به آن ارج می نهد. بنابراین، تقوا یک ارزش برای هر کس چه زن و چه مرد است. بنابراین، از نگاه اسلام زنان همانند مردان می توانند از تمام مزایای زندگی و وظایف اجتماعی برخوردار بوده و در مسیر تکاملی علمی و معنوی هیچ گونه موانعی وجود ندارد. چنان که قرآن کریم به چند نمونه از زندهای کمال یافته را معرفی کرده که در رأس آن صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها است که الگوی انسانیت برای مردان و زنان بشر است.